

درس حقوق بين الملل ارتباطات

دانشجویان ارشد ارتباطات

تنظیم و گردآوری: ملیحه جهانبخش

فصل اول

در این فصل می خوانید:

* آشنایی با حقوق بین الملل ارتباطات

* تاریخچه حقوق ارتباطات

* تقسیم بندی موضوعات در حقوق ارتباطات

* مهمترین موضوعات حقوق بین الملل ارتباطات

مقدمه

پیش از ورود به مباحث مرتبط با حقوق بین الملل ارتباطات خوب است که مروری داشته باشیم بر مفاهیم و واژه های کلیدی که در این درس با آن رو می شویم. معنای ارتباطات، حقوق ارتباطات و آنچه به عنوان حقوق ارتباطات مطرح می شود را بدانیم و پس از آن به مباحث اصلی این درس بپردازیم.

• آشنایی با حقوق بین المللی ارتباطات

در کتاب حقوق بین الملل ارتباطات آمده است: حوزه حقوق ارتباطات، شامل عناصر ارتباط و وسایل مورد استفاده آنها و اطلاعاتی می شود که در یک ارتباط می تواند قابل تصور باشد. برای تداعی بهتر و دقیق تر موضوع می توان معنا و مفهوم ارتباطات و حوزه آن را با تحلیل این عبارت در یکی از اصول مربوط به حقوق ارتباطات موسوم به «جریان آزاد اطلاعات» به دست داد.

جریان آزاد اطلاعات، یکی از مهمترین اصول حقوق ارتباطات است که در اساسنامه یونسکو و قطعنامه های صادره از سوی آن به وفور به چشم می خورد. مباحث مربوط به آزادی اطلاعات در سازمان ملل متحد نیز در ۱۹۴۶ به عنوان یکی از حقوق پایه ای، به رسمیت شناخته شد؛ به طوری که در پی اولین نشست مجمع عمومی در قطعنامه (۵۹۱) آزادی اطلاعات در زمره ی پایه ای ترین حقوق بشر معرفی شد که محک تمام آزادی ها موقوف به آن است.

جریان آزاد اطلاعات شامل: ۱. آزادی دریافت اطلاعات ۲. آزادی داشتن اطلاعات ۳. آزادی انتشار و انتقال اطلاعات است و به تبعیت از این آزادی ها، آزادی دسترسی و استفاده از وسایل ارتباطی نیز ضرورت می یابد.

جریان اطلاعات به نوعی مترادف با ارتباطات و یا به عبارتی خود ارتباطات است. و به خاطر داریم که ارتباطات شامل: ۱. افراد یا عناصر برقرار کننده ارتباط ۲. وسایل برقراری ارتباط ۳. محتوای آن است.

در اینجا است که در بررسی جریان اطلاعات باید هم اجزای ارتباط و موضوعات مرتبط با آن را بررسی کرد.

• تاریخچه حقوق ارتباطات چیست؟

موجودیت حقوق ارتباطات با موجودیت قوانین مربوط به ارتباطات گره خورده است و قواعد و قوانین مربوط به این حوزه، همگام با ظهور فناوری ارتباطات و اطلاعات، توسط مجالس قانونگذاری در کشورهای با سیستم رومی- ژرمنی و توسط مجالس قانون گذاری و دادگاه ها در کشورهای با سیستم حقوق عرفی ایجاد گشته اند، می توان گفت تاریخچه قوانین ارتباطات به نوعی همان تاریخچه حقوق ارتباطات است.

سوئد اولین کشوری است که فرایند مربوط به تدوین و تصویب حقوق و قواعد آزادی اطلاعات را طی کرده که آغاز آن ۱۷۶۶ میلادی است. در ایالات متحده آمریکا نیز قواعد مربوط به این حوزه در ۱۷۹۱ شکل گرفت. عمده ترین رویه های حقوقی و قانونی مربوط به ارتباطات از سال های ۱۹۱۰ به بعد در ایالات متحده آمریکا شکل گرفت. هر چند که از قرن ۱۸ و ۱۹ دادگاه ها اقدام به ایفای نقش نظارتی بر نشریات و آثار صوتی و تصویری می کردند اما این اقدامات بیشتر مربوط به مالکیت و اطلاعات می شد. به طور کلی تاریخچه حقوق و قواعد مربوط به ارتباطات ریشه در قرون ۱۸ و ۱۹ دارد. در سال ۱۹۳۴ با تصویب قانون ارتباطات در ایالات متحده آمریکا، FCC بنیان نهاده شد و ارتباطات مدنی شکل گرفت. مشابه چنین نهادی در ایران در سال ۱۳۴۲ به عنوان وزارت اطلاعات تاسیس شد. در انگلیس نیز در ۲۰۰۳ میلادی OFCOM به عنوان نهادی مشابه با FCC تاسیس شد.

• تقسیم بندی موضوعات در حقوق ارتباطات چگونه است؟

سه گروه اصلی: ۱. عناصر ارتباطات ۲. وسایل ارتباطات ۳. اطلاعات

موضوعات حقوق ارتباطات به نحو پراکنده ای در اسناد بین المللی مورد بحث قرار گرفته است. اما این مساله مورد توجه است که با توجه به ظرفیت های ملی هر کشوری، نوع خاصی از موضوع حائز اهمیت است. به عنوان مثال در ایران نیازی به حمایت قانونی از وسایل و حمایت سیاستگذاران و مسوولان از آنها احساس نشده است و در عوض مطبوعات و تجهیزات ماهواره ای مورد توجه قانونگذاران است.

• مهمترین موضوعات حقوق بین الملل چیست؟

در عرصه حقوق بین الملل، توسط کارگروهی که مقر آن در هلند است، منشور ارتباطات انسان ها (PCC) تهیه شده که شامل اصولی متشکل از موضوعات مطرح در این زمینه است که عبارتند از:

(۱) حیثیت و رعایت احترام (respect): هر شخصی حق دارد تا با او بر اساس استانداردهای حقوق بشر و با احترام رفتار شود.

(۲) آزادی (freedom): تمامی مردم حق دارند در نهایت آزادی و استقلال کامل از کنترل ها و نظارت های حکومتی و تجاری به همه کانال ها و شبکه های اطلاعاتی دسترسی پیدا کنند.

(۳) دسترسی (access): برای اینکه مردم از حقوق خود بهره مند شوند، باید بصورت عادلانه و برابر از حق دسترسی به فضای ارتباطات (اعم از وسایل و منابع آن) محلی و جهانی برخوردار گردند.

۴) استقلال (independence): فعلیت بخشی به حق مردم در مشارکت و بهره مند شدن آنها از توسعه ساختارهای مستقل ارتباطی، مستلزم کمک های بین المللی در جهت گسترش رسانه های مستقل است.

۵) سواد (literacy): تمامی مردم حق کسب دانش و دست یابی به مهارت های لازم برای مشارکت در گفت و گوها و مشورت های جمعی و ارتباطات گسترده اجتماعی را دارند.

۶) حمایت از روزنامه نگاران (protection of journalists): روزنامه نگاران حق دارند بر اساس اصول حقوق بشر، در برابر قوانین داخلی به طور کامل مورد حمایت قرار گیرند. آنها به خصوص در مناطقی که در آنجا درگیری های مسلحانه جریان دارد، حق دارند در امنیت کامل به منابع اطلاعاتی دسترسی پیدا کنند.

۷) حق پاسخ گویی و جبران خسارت (redress right of reply and): تمامی مردم حق پاسخ گویی و تقاضای ترمیم و جبران خسارت را از رسانه ها به خاطر انتشار اطلاعات نادرست را دارند.

۸) هویت فرهنگی (cultural identity): همه مردم حق محافظت از هویت فرهنگی خود و نیز ترویج و گسترش آن را بر اساس اصول کلی حقوق بشر دارند اما نباید استفاده از این حق باعث به خطر افتادن حقوق دیگران و سایر اصول منشور حقوق بشر گردد.

۹) تنوع و گوناگونی زبانی (languages diversity of): حق توزیع اطلاعات به زبان مادری و حق دریافت اطلاعات به زبان مادری و نیز آموزش علوم به زبان مادری یک حق پذیرفته شده جهانی است.

۱۰) مشارکت در سیاست گذاری (participation in policy making): همه مردم حق دارند در تصمیم سازی های مربوط به حوزه مقررات اطلاعات مشارکت داشته باشند.

۱۱) حقوق کودکان (childrens rights): کودکان حق دارند به آن دسته از محصولات رسانه های همگانی که به قصد تامین نیازها و پاسخگویی به علایق آنها و رشد جسمی و پرورش روحی و روانی آنها طراحی شده اند، دسترسی داشته باشند. آنها همچنین حق دارند در برابر خطرات محصولات رسانه ای زیان آور در محیط خانه، مدرسه و... مورد محافظت و حمایت قرار گیرند.

۱۲) فضای سایبر (space cyber): همه افراد حق دسترسی به شبکه های جهانی و استفاده منصفانه و عادلانه از فضای سایبر را دارند. این حق شامل آزادی و تشکیل جوامعی در شبکه و آزادی نشر در آن و نیز نظارت و حریم سازی الکترونیکی نیز می شود.

۱۳) حریم خصوصی (privacy): همه افراد حق دارند در برابر اتهامات نامربوط به حوزه عمومی و عمومی سازی اطلاعات شخصی (مثل عکس شخصی و ارتباطات خصوصی، نظیر تلفن و...) مورد حمایت قرار گیرند.

۱۴) آسیب ، ضرر (harm): مردم حق دارند حساب اعمال رسانه ها در زمینه تحریک و یا تشویق به جنگ و خشونت و تبعیض و اتهامات ناجوانمردانه را مطالبه کنند. رسانه ها حق تمسخر هیچ شخصی را به هر بهانه ای ندارند.

۱۵) دادخواهی (justice): مردم حق دارند در برابر رسانه ها دادخواهی کنند.

۱۶) مصرف (consumption) (اصل صحت): مردم حق دارند به اطلاعات صحیح دسترسی داشته باشند و در برابر اطلاعات نادرست محافظت و حمایت شوند.

۱۷) مسئولیت پذیری (accountability): مردم حق دارند از رسانه های پاسخگو و قابل اعتماد برخوردار باشند. رسانه هایی که به اصول طرح شده در اساسنامه هایشان وفادار باشند. برای دستیابی به این هدف ، رسانه ها باید از مکانیزم خودکنترلی و تنظیم کنندگی خودکار برخوردار باشند.

مهمترین اصول شورای اتحادیه اروپا در خصوص حقوق ارتباطات تحت عنوان حقوق بشر:

۱) حق آزادی بیان در ارتباطات و اطلاعات.

۲) حق احترام برای زندگی و حریم خصوصی و مکاتبات یا مراسلات.

۳) حق آموزش و اهمیت تشویق دسترسی به تکنولوژی جدید و استفاده از آنها با تمام اشکال عدم تبعیض.

۴) ممانعت از بردگی و کار اجباری و سوء استفاده از بدن موجود انسانی برای حمل قاچاق (نوع جدید قاچاق که از طریق ICT گسترش یافته و باید کنترل شود) و پورنوگرافی و بهره کشی جنسی از انسان.

۵) حق محاکمه منصفانه و مجازات نشدن خارج از چهارچوب های حقوقی.

۶) حمایت از اموال معنوی نظیر اختراعات ، علائم تجاری، حق تالیف در کل عرصه ابزارهای الکترونیکی.

۷) حق انتخاب آزاد در فضای ارتباطات در تمامی ابعاد و فضاهای منشعب از آن.

۸) آزادی اجتماع در فضای ارتباطات.

۹) کنوانسیون حمایت از حقوق بنیادی انسان

۱۰) کنوانسیون حمایت از افراد در برابر پردازش خودکار داده های شخصی.

۱۱) کنوانسیون اروپایی تلویزیون های فرامرزی.

۱۲) کنوانسیون اطلاعات و مشارکت حقوقی در خصوص سرویس های جامعه اطلاعاتی.

۱۳) کنوانسیون جرائم سایبر و...

فصل دوم

در این فصل می خوانید:

- * تاریخچه آزادی اطلاعات
- * بررسی جریان آزاد اطلاعات
- * مقوله «شکل گیری و تحول حقوق بین المللی ارتباطات»
- * قلمرو حقوق بین المللی ارتباطات
- * جایگاه یونسکو را در عرصه ارتباطات بین الملل
- * اعلامیه یونسکو در مورد نقش وسایل ارتباط جمعی در روابط بین الملل

• درباره تاریخچه آزادی اطلاعات چه می دانید؟

سال ۱۹۴۸ در ژنو، کنفرانس بین المللی آزادی اطلاعات برگزار شد. در این کنفرانس نمایندگان ۵۱ کشور دنیا که در آن زمان عضو سازمان ملل متحد بودند، ماده ۱۹ اعلامیه حقوق بشر را تدوین کردند. در این ماده که در دسامبر همان سال در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید، ضرورت تحقق آزادی اطلاعات و ارتباطات پیش بینی شده و بر اساس آن در سراسر دنیا، هر فردی حق دریافت، جستجو، انتقال و انتشار اطلاعات را دارد. بر همین مبنا در دهه ۵۰ میلادی، سازمان ملل به کمک یونسکو به تحقیق درباره وضع آزادی مطبوعات و اطلاعات در جهان پرداخت. تحقیقات بر این اساس بود که تا وقتی وسایل ارتباط جمعی و رسانه های همگانی در دنیا به حداقل توسعه یافتگی نرسند، نمی توان انتظار داشت که جریان آزاد اطلاعات پدید آید.

طی دهه ۹۰ و با رشد فناوری اطلاعات، موضوع دسترسی به جریان آزاد اطلاعات، شکل تازه ای به خود گرفت و سرانجام در اولین اجلاس جهانی سران که با موضوع جامعه اطلاعاتی در آذرماه سال ۱۳۸۲ خورشیدی در ژنو برگزار شد، سران کشورهای جهان با امضای بیانیه اصول، متعهد به ایجاد جامعه اطلاعاتی در هزاره جدید شدند.

نخستین تجربه مشخص قانونگذاری در زمینه آزادی اطلاعات، به کشور سوئد و سال ۱۷۷۶ میلادی باز می گردد. هدف از تصویب این قانون که در ابتدا قانون آزادی مطبوعات نام داشت، ایجاد یک جامعه باز بود که در آن حتی اسنادی مانند نامه های رهبران کشورهای دیگر به نخست وزیر سوئد نیز باید تحت نظارت عموم قرار بگیرد قاعده ای که تا امروز نیز پا برجاست. سپس کشور کلمبیا در سال ۱۸۸۸ میلادی با تصویب قانون آزادی اطلاعات، دسترسی به اطلاعات و اسناد و مدارک دولتی را حق مردم دانست. بر حسب این قانون هر فرد می تواند با دادن تقاضا به اسناد دولتی دسترسی داشته باشد. مگر در مواقعی که قانون این دسترسی را محدود کرده باشد. فنلاند سومین کشوری است که در سال ۱۹۱۹ قانون آزادی اطلاعات را مصوب کرد. ایالات متحده امریکا در سال ۱۹۶۹، دانمارک و نروژ در سال ۱۹۷۰، فرانسه و هلند در سال ۱۹۷۸، کانادا و استرالیا و نیوزلند در سال ۱۹۸۲ به طرح و تصویب این قانون دست زدند.

و اما در ایران، لایحه آزادی اطلاعات در خرداد ماه سال ۱۳۸۴ از طرف دولت اصلاحات تقدیم مجلس شد. بعد از ماه ها این لایحه در مجلس هفتم مطرح شد و ابتدا نام آن از آزادی اطلاعات به انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات تغییر کرد. سپس تعداد مواد آن از ۳۸ ماده، به ۳۶ ماده و در صحن مجلس به ۲۴ ماده کاهش یافت. در واقع فقط ۱۴ ماده بدون تغییر نسبت به اصل لایحه باقی ماند. ۱۲ ماده کاملاً حذف شد، ۱۰ ماده دچار تغییرات کلی و جزئی شد و یک ماده و دو تبصره به آن اضافه گردید و جهت جهت تصویب نهایی به شورای نگهبان ارسال شد. اما شورای نگهبان آن را با ۷ ایراد برای اصلاح به مجلس باز گرداند. نمایندگان ۶ مورد را مطابق نظر شورای نگهبان تغییر دادند و در یک مورد (ماده ۶) اصرار ورزیدند اما شورای نگهبان آن را مجدد به مجلس عودت داد. از مواردی که حذف شدند می توان به ماده ۴ اشاره کرد که:

هر شخص ایرانی حق دارد آشکارا با رعایت قوانین از فعالیت های ارکان و اجزای مختلف حکومت و فعالیت ماموران آن ها انتقاد کند.

این لایحه در دی ماه ۱۳۸۷ نیز برای چندمین بار توسط شورای نگهبان مورد ایراد واقع شد و به مجلس بازگردانده شد و تا امروز موفق به کسب نظر مثبت نشده است.

نکته پایانی اینکه: آزادی اطلاعات آزادی مطبوعات را نیز شامل می شود. به عبارت دیگر آزادی اطلاعات آزادی فعالیت روزنامه نگاران در مرحله جستجو و جمع آوری اخبار و انتشار آنها از طریق مطبوعات و فرستنده های رادیویی و تلویزیونی، پایگاه های اطلاعاتی و اینترنتی و همچنین آزادی مخاطبان در دریافت پیام های وسایل ارتباطی را پوشش می دهد.

• جریان آزاد اطلاعات را مورد بررسی قرار دهید؟

پاسخ: در قرن بیست و یکم آزادی دسترسی به اطلاعات دولتی که از آن به عنوان «آزادی اطلاعات» یا «جریان آزاد اطلاعات» نام برده می شود، یکی از مهم ترین اصول حقوق بشر است. از این نظر کشورهایی که به لحاظ ساختار حکومتی نمی توانند دسترسی آزاد آحاد جامعه به اطلاعات را تضمین کنند، در زمره کشورهای ناقض حقوق بشر به شمار می روند. کشورهای دموکراتیک مدت ها است که ضرورت تدوین عمومیت اسناد دولتی و یا قانون آزادی اطلاعات را درک کرده و اقدامات قانونی لازم را انجام داده اند. با تحولات اخیر فناوری تبادل اطلاعات و ارتباطات و ایجاد فضای سایبرنتیک، جریان آزاد اطلاعات جزء حتمی جامعه جدید محسوب شده و دیر یا زود همه کشورها ناچار به پذیرش این اصل خواهند بود. بنیان گذاران این نظریه (لاسل، ویلبرشرام، لازارسفلد، راجرز) می باشند.

مفاهیمی نظیر آزادی اطلاعات و جریان آزاد اطلاعات در اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ بیان شده است. آزادی اطلاعات یا جریان آزاد اطلاعات نتیجه طبیعی و حق اولیه آزادی بیان و عقیده است. همچنان که تولید اطلاعات در سطح ملی و بین المللی رشد می یابد، دسترسی مناسب به آن نیز به عنوان ابزاری که موجب کاهش وابستگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می گردد، اهمیت پیدا می کند. بنا براین آنچه در جریان آزاد اطلاعات از اهمیت ویژه ای برخوردار می گردد توزیع اطلاعات است. رشد فناوری ارتباطات، گسترش بازار ملی و بین المللی، و وضع مقررات و سیاست های صنعتی باعث شده است که مرحله توزیع به صورت مهم ترین حلقه زنجیر نظامهای اطلاعاتی درآید. در جوامع کنونی اطلاعات و دسترسی به آن قدرت محسوب می شود، جریان اطلاعات مستلزم وجود عوامل اساسی زیر است:

۱ - منبع اطلاعات " یا " تولید کننده پیام " یا فرستنده

۲- پیام یا اطلاعاتی که ارسال می شود

۳- انتقال دهنده یا کانال ارتباطی، محمل یا رسانه ای که از طریق آن پیام منتقل می شود و جریان می یابد.

۴- دریافت کننده یا بهره گیرنده که پیام را به دانش تبدیل می کند.

موانع جریان آزاد اطلاعات در کشورهای کمتر توسعه یافته:

۱- شکاف دیجیتال خرید ۲- سطح زندگی جامعه و عدم قدرت ۳- میزان سواد و سطح آموزش ۴- عدم توسعه فرهنگی ۵- عدم توسعه سیاسی ۶- طرز تعامل با اعتقادات سنتی ۷- چگونگی گشودگی در برابر کشورهای خارجی ۸- اعمال محدودیت و سانسور رسانه‌ای

• مقوله «شکل گیری و تحول حقوق بین المللی ارتباطات» را تجزیه و تحلیل کنید.

پاسخ: هر جامعه ای نیازمند یک نظام حقوقی است. میان حقوق و جامعه رابطه ای جامعه شناختی و متقابل وجود دارد. هیچ جامعه ای را بدون نظام حقوقی نمی توان تصور کرد. حتی جوامع ابتدایی نیز دارای حداقل قواعد حقوقی بودند. رابطه ی اجتماعی که رکن جدایی ناپذیر هر جامعه است، باید ضابطه مند باشد. از سوی دیگر حقوق دستاوردی اجتماعی است و در خلاء شکل نمی گیرد. حقوق از بطن روابط اجتماعی افراد بر می خیزد و آن روابط را نظم می بخشد. حال قبل از پاسخ به این سوال که حقوق بین الملل چه زمانی شکل گرفته و تکوین یافته است، باید به این سوال بپردازیم که:

روابط بین الملل از چه زمانی وجود داشته و جامعه بین المللی از چه هنگامی موجودیت یافته است؟

امروزه مفهوم جامعه بین المللی با وجود دولت ها پیوند خورده است. از زمانی که واحدهای سیاسی جدا از هم در طول تاریخ پیدا شد، حقوق بین الملل نیز شکل گرفت. کاوش های تاریخی باعث دستیابی به اسناد و مدارکی شده است که عمر برخی به بیش از چهار هزار سال می رسد. رد پای برخی قواعد بین المللی را در دولت شهرهای یونان و ایران باستان می توان جستجو کرد. قدیمی ترین سند حقوق بشر، یعنی اعلامیه ی کوروش کبیر حدود ۵۳۸ سال پیش از میلاد مسیح تنظیم شده است. پس به این نکته باید توجه کرد که حقوق بین الملل را نباید فارغ از ظرف زمانی و تاریخی دانست. حقوق بین الملل هر دوره، هر چند پیش پا افتاده باشد، مخصوص همان دوره است. لذا حقوق بین الملل زمانی شکل گرفت که دولت ها به عنوان تابعان اصلی اعضای اولیه ی جامعه ی بین المللی با هم ارتباط برقرار کردند. هر چند که شاید نتوان تاریخی دقیق برای آن اعلام کرد. کشورها ناچار به برقراری ارتباط با یکدیگر بودند، ارتباطاتی که محدود به زمان جنگ و صحنه های نبرد نبوده است. مراودات سیاسی، مبادله بین المللی کالاها، نیازمند قواعد است. رابطه ی داخلی یا بین المللی بدون ضابطه امکان پذیر نیست یا دوام نمی آورد. بنابراین تکوین روابط بین الملل به زمان شکل گیری خود روابط بین الملل بر می گردد.

• نظرتان را در مورد قلمرو حقوق بین المللی ارتباطات ارائه نمایید.

پاسخ: واژه حقوق با توجه به کاربردهای متعدد آن دارای معانی خاصی است. حقوق گاهی در یک معنای وسیع فلسفی مانند اخلاق و عدالت به کار می رود از این لحاظ حقوق شامل اصول خاصی است که در روابط افراد حاکم است مانند قواعد مذهبی، قواعد اخلاقی و... که هر کدام ضابطه و قانونی بر آن مستقر می باشد. و در معنایی دیگر حقوق به معنای اخذ شامل مجموعه قواعد و مقررات حاکم بر روابط اجتماعی است. که از طرف قدرت عمومی وضع و اعمال می گردد و دارای ضمانت اجرا است این قواعد و مقررات حقوق موضوعه نامیده می شوند و در هر کشور وضعیت و کیفیت خاص دارند.

شالوده بنیادی حقوق ارتباطات بر حقوق مطبوعات که هسته اصلی و جنبه تاریخی قدیمی ترین زمینه آن به شمار می آید استوار گردیده است. و با در نظر گرفتن آن که اساس حقوق مطبوعات بر آزادی بیان و حق دسترسی همگان به اطلاعات پایه گذاری شده و زمینه های مکمل آن مانند حقوق رادیو و تلویزیون و حقوق اینترنت نیز تا حدودی با توجه به این آزادی تکوین یافته اند. می توان گفت که حقوق ارتباطات مانند حقوق مطبوعات از یک ویژگی بسیار مهم در جهت کمک به حفظ و حراست آزادی مذکور برخوردار است. حقوق مطبوعات به سبب تقدم تاریخی و پیشگام بودن در تامین آزادی های یاد شده در پدید آوردن اصول مقررات حاکم بر تاسیس و اداره موسسات ارتباطی محتوا و انتشار پیام های ارتباطی، همکاران حرفه ای فعالیت های ارتباطی و مسوولیت های حقوقی ناشی از اداره موسسات ارتباطی و فعالیت های ارتباطی سهم اساسی داشته است. و بر همین اساس بر شکل دادن ساختارها و شیوه های کار تمام وسایل ارتباطات جمعی و تکنولوژی های اطلاعات و ارتباطات تاثیر داشته است و ساماندهی و نظام مندی حقوق ارتباطات نقش مهمی ایفا کرده است.

توضیحات تکمیلی: ارتباطات رشته جدیدی است که نیمه دوم قرن بیستم تحت تاثیر پیشرفت وسایل ارتباطات جمعی و تکنولوژی های نوین ارتباطی ابتدا در کشورهای غربی و سپس در سایر کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفته است. در واقع ضرورت مقررات گذاری برای تمام فعالیت های اجتماعی در جوامع سبب شده است که در مورد فعالیت های ارتباطی نیز مقررات و حقوق ویژه ای تهیه و تدوین شده گردد به همین لحاظ برای شناخت موضوع و قلمرو ارتباطات باید مفهوم جامع ارتباطات را مورد نظر قرار داد و بر اساس آن شاخه های این رشته حقوقی جدید را مشخص داشت.

• جایگاه یونسکو را در عرصه ارتباطات بین الملل ارزیابی نمایید.

پاسخ: در سال ۱۹۴۵ پس از پایان جنگ جهانی دوم، کنفرانس سانفرانسیسکو- که منجر به تشکیل سازمان ملل متحد شد، از دولت انگلستان دعوت کرد که کنفرانسی جهت تدوین اساسنامه بین المللی فرهنگی برگزار کند. این کنفرانس در نوامبر همان سال با شرکت ۴۳ کشور از جمله ایران در لندن برگزار شد. فرانسه و انگلستان به عنوان دو کشوری که بیشترین صدمات را از جنگ تحمل کرده بودند پیشنهاد کردند که سازمانی با هدف نهادینه ساختن فرهنگ صلح به معنای

واقعی کلمه تاسیس شود. از نظر آنان سازمان جدید می بایستی در راه «همبستگی فکری و اخلاقی بشریت» خدمت کند و مانع از وقوع جنگ جهانی دیگری شود. در همان سال نمایندگان ۳۷ کشور اساسنامه آن را امضا کردند. و به این ترتیب، یونسکو سازمان آموزشی، علمی، فرهنگی سازمان ملل متحد شکل گرفت.

از جمله اصول پایه ای و بنیادین یونسکو می توان به موارد زیر اشاره کرد:

آموزش ابتدایی برای همه، بهبود منابع آب و سیستم های زیست انسانی، رواج اخلاق گرایی در علم و فن آوری با تاکید بر اخلاق انسانی، ترویج تکرر فرهنگی با تاکید ویژه بر میراث محسوس و نامحسوس فرهنگی، افزایش قدرت بشر در دسترسی به علم و اطلاعات با تاکید بر حق آزادی بیان، ریشه کنی و محو فقر خصوصا در کشورهای توسعه نیافته و... کمک به صلح جهانی و گفت و گوی تمدن ها و....

اساسنامه یونسکو پنج ماموریت بزرگ را برای سازمان تعیین کرده است:

۱. پیشبرد، انتقال و سهیم شدن در دانش ۲. مطالعه درون گرایانه ۳. تعیین معیارها ۴. کارشناسی ۵. مبادله اطلاعات تخصصی.

محورهای اساسی برنامه های یونسکو:

۱. آموزش و پرورش برای همه ۲. پیشبرد تحقیقات زیست محیطی از طریق برنامه های علمی جهان ۳. حفظ و تقویت میراث طبیعی و فرهنگی جهان ۴. پیشبرد جریان آزاد مطبوعات و توسعه رسانه های کثرت گرا و در عین حال تقویت امکانات و ظرفیت های ارتباطی کشورهای در حال توسعه و...

و اما در جریان ارتباطات، به ویژه درباره اخبار، جریان خبر همیشه یک طرفه (از کشورهای پیشرفته به سوی کشورهای جهان سوم) بوده است. در این زمینه تحقیقات بسیاری صورت گرفته است. مثلا تبادل خبر بین امریکا و کانادا همیشه یک طرفه است. یعنی از امریکا به کاناداست.

سازمان یونسکو در سال ۱۹۷۳ تحقیقی ارائه داد. در نتیجه این تحقیق که تحت عنوان «تلویزیون، مسیر یک طرفی» صورت گرفت مشخص شد که اکثر برنامه های تلویزیونی که در دنیا پخش می شود وارداتی غرب و مخصوصا امریکاست. (این کشور سالی ۲۲۰ هزار ساعت برنامه ی تلویزیونی به دنیا می فروشد. به دنبال امریکا، انگلستان با ۲۵ تا ۳۰ هزار ساعت، فرانسه با ۲۰ هزار ساعت و آلمان غربی با ۱۵ هزار ساعت برنامه قرار دارند).

یونسکو در جریان بررسی های کمیسیون بین المللی مطالعه در ارتباطات، به دو موضوع با اهمیت توجهی خاص نشان داد:

۱. تربیت روزنامه نگار و نیروی متخصص برای وسایل ارتباط جمعی در جهان

۲. تصویب اصول و قواعد اخلاقی حرفه روزنامه نگاری و حرفه های مشابه در دنیا

در مورد تربیت روزنامه نگاران کشورهای غربی همچنان شروع به مخالفت کردند چون علاقه داشتند مانند گذشته بدون نظارت یونسکو و بدون برنامه ریزی قبلی، دانشجویان کشورهای جهان سوم در دانشگاه های غربی تحصیل کنند تا بتوانند از طریق این دانشجویان الگوهای خاص خود را به جهان سوم منتقل کنند. آنها با اصول اخلاق حرفه ای و مخصوصا نظامی حاکم بر حرفه ی روزنامه نگاری و دیگر حرفه های ارتباطی در جهان سوم مقابله علنی و مستقیم کردند و گفتند این ها مغایر با آزادی اطلاعات و ارتباطات در غرب است. ما همان گونه که با تاکید بر مسوولیت دولت ها در امر وسایل کن ارتباط جمعی مخالفت کردیم با این مساله هم مخالفیم. کسی حق ندارد در سطح بین المللی مقرراتی را وضع کند که بر وسایل ارتباط جمعی حاکم باشد.

مساله تربیت روزنامه نگاران همچنان مورد توجه است. یونسکو در این زمینه چند مورد گردهمایی داشته که حتی در آن موضوعات خیلی دقیق تر از جمله معیارهای روزنامه نگاری و خبر پرداخته شده است. در ماه می ۱۹۸۰ در یکی از همین گردهمایی ها پیشنهاد شد گروهی به بررسی این موضوع بپردازند که مطبوعات غربی در دوره ی دیکتاتوری شاه چگونه گزارش تهیه می کردند و به چه طریق از داخل برای وسایل ارتباط جمعی محدودیت ایجاد می کردند که متاسفانه این موضوع به طور جدی دنبال نشد.

• اعلامیه یونسکو در مورد نقش وسایل ارتباط جمعی در روابط بین الملل را توضیح دهید.

اعلامیه یونسکو درباره اصول بنیادی مربوط مساعدت وسایل ارتباطات جمعی در تحکیم تفاهم بین المللی پیشبرد حقوق حقوق بشر و مبارزه علیه نژاد پرستی، آپارتاید (تفکیک نژاد) و تحریک به جنگ بود، در جلسه همگانی ۲۲ نوامبر ۱۹۷۸ بیستمین اجلاس کنفرانس عمومی به تصویب رسید. این اعلامیه انتشار گسترده متعادل تر اطلاعات، تضمین دستیابی همگانی به اطلاعات، ضرورت به گوش رساندن صدای خلق ستم دیده و تصحیح نابرابری های موجود در جریان اطلاعات را مورد توجه قرار می دهد. مساعدت وسایل ارتباط جمعی به استقرار یک نظام بین المللی نوین اقتصادی و نیز مقام ممتاز یونسکو برای مساعدت در برقراری شرایط یک نظم جهانی نوین عادلانه تر و موثرتر اطلاعات و ارتباطات نیز به طور دقیق در اعلامیه خاطر نشان شده است.

بیستمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو طی قطعنامه جداگانه ای نیز کوشش های مربوط به برقراری یک «نظم جهانی نوین عادلانه تر و متعادل تر اطلاعات و ارتباطات» را مورد تایید قرار داد و از مدیر کل آن سازمان دعوت کرد که مساعی خویش را در این زمینه دنبال کند. در همین اجلاس برای ایجاد یک مکانیزم نهادی، برای مشاوره درباره فعالیت ها، نیازها و برنامه های مربوط به توسعه ارتباطات در جهان سوم - که در سال های بعد به تاسیس «برنامه بین المللی یونسکو برای توسعه ارتباطات» منتهی گردید- نیز قطعنامه ای به تصویب رس

فصل سوم

در این فصل می خوانید:

* امپریالیسم خبری

* نقد و بررسی استعمار از منظر تاریخی

* روند سلطه نظریات گرامشی

* وضعیت جهانی نابرابری های ارتباطی

* عهدنامه آمریکایی حقوق بشر را با اعلامیه جهانی حقوق بشر

* انواع مذاکره و نتایج آن

• نظرتان را درباره امپریالیسم خبری ارایه نمایید.

پاسخ: برای نخستین بار واژه امپریالیسم خبری از "یورهوک کنن" رئیس جمهور فنلاند در گردهمایی کارشناسان ارتباطی یونسکو در دانشگاه تامپر فنلاند در سال ۱۹۷۱ عنوان شد.

امپریالیسم رسانه ای امروزه یکی از مشخص ترین واژگان در حوزه ارتباطات می باشد. امپریالیسم رسانه ای مجموعه ای از رسانه ها است که تحت سیطره یک فرد یا یک ایدئولوژی خاص اداره می شود. کارکرد آن علاوه بر بیرون کردن رقباء، اثرگذاری بر مخاطبان و القای آراء و نظریات خاص است.

امپریالیسم اصطلاحاً سلطه جویی انحصاری را گویند. که در حقیقت به معنی سلطه جویی انحصاری بر شریانهای خبر رسانی جهانی است. و امپریال در لغت به معنای امپراطوری آمده است.

اصطلاح امپریالیسم رسانه ای برای توصیف نقشی بکار می رود که رسانه های غربی از طریق سیستمهای ارتباطی برای تحت سلطه درآوردن کشورهای رو به توسعه جهان بکار می گیرند. امپریالیسم سانه ای در حقیقت ادامه شیوه استعمارگری با استفاده از ابزار نوین است. درک مفهوم امپریالیسم رسانه ای در گرو درک مناسبات موجود میان عوامل اقتصادی، جغرافیایی، فرهنگی و اطلاعاتی است. امپریالیسم رسانه ای را می توان در حوزه های خبرگزاریها، مطبوعات، رادیو و تلویزیون، اینترنت، سینما، موسیقی و... مورد بررسی قرار داد. امپریالیسم خبری بخشی از کارکرد امپریالیسم رسانه ای به شمار می آید که به طور تخصصی بر روی حجم و نوع و محتوا، کیفیت، کمیت، زمان و مکان یک خبر کار می کند.

کارکرد امپریالیسم خبری:

۱- وابستگی فرهنگی؛ بهره بردن از عطش اطلاعاتی مخاطبان کشورهای ضعیف و مشخص کردن خط فکری آنها و اینکه چه بدانند و...

۲- پرداختن به ارزشهای خبری مطابق میل دست اندرکاران؛ هدایت اذهان عمومی به سمت اخبار دلخواه، معمولاً کم اهمیت، بی ثبات نشان دادن جهان سوم و بزرگ جلوه دادن پیشرفت و امنیت در جهان پیشرفته.

۳- تامین منافع سیاسی، خارجی و حمایت از پایگاه سیاسی خارجی، بسیج حمایت مردمی برای منافع خاص خارجی و بعضاً داخلی، حمایت کشورهایایی که تامین کننده منابع کشورشان هستند.

علل ناکامی کشورهای جنوب در مقابله با امپریالیسم خبری (گزارش ۱۹۹۰ یونسکو)

۱- امکانات کم، فقدان زیرساخت تکنولوژیک فکری، فنی، حقوقی و انسانی - فقدان نهادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی

۲- فقدان سیاست های مشترک و همگرایی و هماهنگی کشورهای جنوب

۳- عقب ماندگی اقتصادی و زیربنای اقتصادی کشورهای جنوب

۴- ۸۰٪ ذخایر در جنوب است ولی ۷٪ از سهم تولید صنعت را در اختیار دارند.

۵- بی سواد و کم سواد و فقدان مهارت نظریه و پژوهش - فقدان سواد رسانه ای

۶- فقدان ساختارهای مدیریتی و نوآورانه

۷- تولید موزاییکی ساختار سیاسی جهان سوم - راست افراطی - چپ افراطی

۸- تفاوت های نظام های اقتصادی و اختلاف شدید فقر و ثروت در میان آنها

۹- نهادینه نبودن رسانه ها و فقدان نظام های حقوقی کارآمد و شوق تولید

۱۰- فقدان مشروعیت رسانه های همگانی در کشورهای جنوب

• استعمار را از منظر تاریخی نقد و بررسی کنید.

پاسخ: کاربرد سیاسی اصطلاح به طور خاص متوجه شیوه های رفتار کشورهای از نظر سیاسی توانمند نظیر کشورهای اروپایی با سرزمین های مستعمراتی است. استعمارگری بیشتر کار کشورهای است که امپراتوری دریایی و ناپیوستگی خاک آنها مانع تشکیل یک واحد سیاسی یکپارچه (مانند امپراتوری های زمینی) می شود. مفهوم استعمار امروزه با مفهوم امپریالیسم پیوستگی کامل یافته و استعمار اساساً عمل قدرت های امپریالیستی شناخته می شود، یعنی قدرتی که می خواهد از مرزهای ملی و قومی خود تجاوز کند و سرزمین ها و ملت ها و اقوام دیگر را زیر تسلط خود درآورد.

گرچه استعمار پیشینه ی کهن دارد، اما تاریخ مفهوم جدید آن از قرن های شانزدهم و هفدهم آغاز می شود. تاریخ استعمار را از دوره ی باستان تاکنون می توان به چهار دوره بخش کرد [۲] سه دوره اول، مجموعاً تحت عنوان استعمار کهن قرار می گیرند:

استعمار دوره اول: عصر باستان

استعمار دوره دوم: دوران جهانی

استعمار دوره سوم: استعمارگری قرن‌های نوزدهم و بیستم

استعمار نو

استعمار واژه‌ایست عربی و در بُن به معنای آبادی خواستن است. ولی امروزه استعمار معنای نفوذ و دخالت کشورهای زورمند در کشورهای ناتوان به بهانه آبادی و سازندگی است. ولی معمولاً استعمار در جستجوی به تاراج بردن دارایی کشورهای دیگر بوده‌است.

استعمار عبارت است از سیاست دول امپریالیستی که هدفش برده کردن و بهره کشی از خلق‌های کشورهای دیگر، خلق‌های کشورهای از نظر اقتصادی کم رشد است. دول امپریالیستی برای تحکیم سیطره خویش مانع تکامل فنی و اقتصادی و فرهنگی این کشورها می‌شوند. البته در قرون گذشته یعنی قبل از پیدایش امپریالیسم نیز استعمار سرزمین‌های غیر وجود داشته ولی ما در تعریف خود به استعمار در قرن بیستم توجه کرده‌ایم که خود به شکل تقسیم سرزمین‌های جهان و ایجاد امپراتوری‌های مستعمراتی یکی از وجوه مشخصه دوران امپریالیستی است.

مستعمره: یعنی سرزمینی فاقد استقلال سیاسی و اقتصادی که کاملاً در همه شئون تابع دولت امپریالیستی استیلاگر است. این دولت و انحصارات امپریالیستی آن از مستعمره به عنوان مواد خام و نیروی کار ارزان بازار فروش کالاها و عرصه سرمایه‌گذاری‌های پرسود و همچنین به مثابه پایگاه‌های نظامی و سوق‌الجیشی استفاده می‌کنند.

سیستم مستعمراتی امپریالیستی چیست؟ در کنار مستعمرات، کشورهای نیمه مستعمره و وابسته نیز وجود دارد که در شئون مختلف سیاسی یا اقتصادی دارای وابستگی‌ها و تابعیت‌های کم و یا زیاد نسبت به دول امپریالیستی هستند. عبارت «سیستم مستعمراتی امپریالیسم» یعنی مجموعه همه مستعمرات، نیمه مستعمره‌ها و ممالک وابسته که توسط امپریالیست‌ها مورد بهره‌کشی قرار گرفته و تحت سلطه آنان قرار دارند. این سیستم در مرحله انحصاری سرمایه‌داری به وجود آمد. در آغاز قرن کنونی چند کشور بزرگ امپریالیستی با توسل به نیروی ارتش و واحدهای مستعمراتی و لژیون‌های خارجی، تقسیم سرزمین‌های جهان را بین خود پایان داده بودند و از آن پس بارها برای تقسیم مجدد جهان و تسخیر مستعمرات جدید با یکدیگر به جنگ و ستیز برخاستند. سرمایه‌داری به یک سیستم جهانی ستم‌آمیزی و تسلط مالی بر اکثریت عظیم مردم جهان توسط مثنی کشورهای به اصطلاح جلو افتاده مبدل شد.

متروپل: یعنی کشور امپریالیستی صاحب مستعمره، انحصارات بزرگ کشور متروپل با نیروی عظیم مالی و صنعتی خود سد کلانی به حساب غارت و بهره کشی از مستعمرات به دست می‌آورند. به علت بازوی کار ارزان، کثرت منابع طبیعی و ارزانی موادخام، سرمایه گذاری متروپل در مستعمره سودهای افسانه‌ای به بار می‌آورد. هم زمان با غارت آشکار مردم این سرزمین‌ها و ثروت‌های ملی آنان، کشور مستعمره به زایده کشاورزی و مولد مواد خام متروپل مبدل می‌شود.

عقب ماندگی اقتصادی یکی از شوم‌ترین و سنگین‌ترین نتایج سلطه استعماری است. انحصارات متروپل مانع تکامل صنایع و به ویژه ایجاد صنایع سنگین، مانع رشد تکنیک و هم زمان با آن مانع تقویت کادرهای ملی می‌شوند. اقتصاد برخی از این سرزمین‌ها را به اقتصاد مونو کولتیر «یک محصولی» مثل نفت یا نیشکر یا قهوه یا مس مبدل می‌کنند که تمام سر رشته آن هم در دست انحصارات امپریالیستی است. این امر خود بعداً دشواری‌های عظیم در راه ایجاد یک اقتصاد ملی متوازن و همه جانبه به بار می‌آورد. مبادله نا برابر وجه مشخصه تجارت بین متروپل و مستعمره، یکی دیگر از منابع سود کلان انحصارات است. استعمار در دوران کلاسیک خود همواره حامی و پشتیبان مرتجع‌ترین قشرهای محلی بوده، اشکال فئودالی و ما قبل فئودالی را همچنان پا برجا نگهداشته به کمک آن، اقتصاد را به عقب ماندگی و زحمتکشان را به فقر و گرسنگی محکوم می‌کرده‌است. عقب ماندگی اقتصادی محصول غارت و سلطه انحصارات امپریالیستی و نتیجه سیاست استعماری دول امپریالیستی است نه ثمره مناسبات اقتصادی معمولی بین کشورهای فقیر و کشورهای غنی به طور اعم.

مبارزه علیه استعمار و فروریختن سیستم مستعمراتی: علیه سلطه استعماری، علیه این غارت و سیطره سیاسی و اقتصادی خلق‌های کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره به پا خواسته و مبارزه شدیدی را برای آزادی ملی و استقلال آغاز کردند. نهضت استقلال طلبی پس از انقلاب اکتبر وارد مرحله نوین و پرتوانی شد و پس از جنگ جهانی دوم به دوران عالی تری گام گذاشت. موج نیرومند نهضت‌های رهایی بخشی ملی طومار سیستم جهانی استعماری را در هم پیچید.

انقلاب‌های خروشان ملی ارکان امپریالیسم را به لرزه در می‌آورد. لبه تیز این یورش جهانی متوجه آمریکاست که به مدافع اساسی سیستم بهره کشی استعماری بدل شده‌است. در نتیجه این نبرد به جای مستعمرات سابق در کشورهای نیمه مستعمره بیش از پیش کشورهای مستقل و نوبنیاد پدید گشته و پدید می‌گردد.

ولی این مبارزه هنوز به پایان نرسیده‌است. ملی که در حال گسستن زنجیرهای استعماری هستند به مراحل مختلفی از رهایی رسیده‌اند. بسیاری از آن‌ها دولت‌های ملی تشکیل داده‌اند ولی همچنان برای تقویت استقلال سیاسی خویش می‌کوشند و برای احراز استقلال اقتصادی راهی دراز در پیش دارند. ملل کشورهایی که ظاهر مستقل ولی عملاً در قید وابستگی سیاسی و اقتصادی انحصارهای بیگانه هستند برای مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم‌های ارتجاعی و استبدادی بپا می‌خیزند. نهضت آزادی بخشی ملی در کنار جنبش کارگری کشورهای پیش افتاده به یکی از عوامل عمده ضد امپریالیستی عصر ما بدل شده‌است. در مقابل این موج عظیم، استعمار به روش‌های نوین بهره کشی متوسل شده‌اند که مجموعه آن را استعمار نوین می‌نامند.

• در مقوله روند سلطه نظریات گرامشی را توضیح دهید.

پاسخ: گرامشی معتقد بود که سلطه طبقاتی قدرتهای سرمایه داری، نه فقط از طریق زور و اجبار، بلکه گاهی نیز از طریق رضایت تقویت می شود. او در همین راستا دو حوزه روینایی، حوزه عمومی و یا دولت که در آن سلطه مستقیم ظاهر می شود و نیز حوزه خصوصی یا جامعه مدنی را که وی به مفهوم روینایی به کار می برد از هم جدا می کند و معتقد است که طبقه حاکم در عرصه جامعه مدنی تحت عنوان هژمونی استیلای فکری مجال بروز می یابد.

در فرایندهای سرمایه داری نهفته در جوامع غربی قدرت در حوزه های گوناگونی پخش می شود و شکلهای گوناگونی به خود می گیرد. جامعه سیاسی یعنی دولت، بدن را از طریق قوانین جزایی و زندانهای خود انضباط بخشیده و جامعه مدنی نیز ذهن و روان را از طریق نهادهای منضبط می کند.

در نظامهای غربی قدرت سراسر جامعه را فرا گرفته است و مردم به صورت خودکار از دولت حمایت می کنند و جامعه مدنی به گونه ای عمل می کند که سلطه سرمایه داری در آن، شکل یافته و قوام پیدا می کند و این گونه نظامها برای حفظ خود به جز در مواقع بحرانی از قدرت قهری استفاده نمی کنند، چون توانسته اند جامعه را به پذیرفتن ارزشهای اخلاقی، سیاسی و فرهنگی خود ترغیب کنند. در کل، از مفهوم هژمونی بیشتر برای توصیف شیوه های کنترل اجتماعی موجود برای گروههای حاکم استفاده می شود، کنترلی که افراد را با میل باطنی و داوطلبانه وادار به پذیرفتن دیدگاهی خاص می کند.

بقول «بکاک» در واقع هژمونی زمانی رخ می دهد که رهبری فکری، اخلاقی و فلسفی حاکم بر طبقه ای خاص با موفقیت کامل بتواند دیدگاهی خاص را بر جامعه تحمیل کند ۲۱ و یا به عبارت دیگر هژمونی به نوعی عقلانیت گروهها و طبقات مسلط به صورت عقل سلیم و به عنوان جایگاه پیشداوریهها، ارزشها و هنجارهای بررسی نشده طبقات حاکم بر اعمال زندگی روزمره از طریق دستگاههای موجود در جامعه مدنی به صورت خودکار پذیرفته می شود و همه نهادهای جامعه مدنی نظیر مدرسه، نظامهای فرهنگی، رسانه های ارتباطی و... همه و همه... به عنوان ابزارهای هژمونی استمرار قدرت را تداوم می بخشند.

گرامشی در این زمینه معتقد است که واقعیت هژمونی بر این فرض است که باید به علایق و گرایش های گروههایی که باید طبقه حاکم بر آنها مسلط شود توجه کند و موازنه ای منطقی به دست آید. به عبارت دیگر گروههای رهبری کننده باید به فداکاری های اقتصادی و تجاری دست بزنند. در عین حال شکی نیست که این فداکاری ها و سازش ها نباید هسته اصلی را تحت الشعاع قرار دهد چون هر چند هژمونی اخلاقی سیاسی است، اما باید اقتصادی هم باشد و بر نقش مهم گروه

رهبری کننده در هسته مهم فعالیت های اقتصادی استوار باشد. به این ترتیب نظام سرمایه داری غرب با هژمونی اخلاقی، سیاسی و اقتصادی خود درصدد است که در پی هماهنگی با عقاید، ارزش ها و نیازهای گروههای تحت سلطه، به نوعی حتی به طور موقت مسائل و علایق آنها (مردم) را در ساز و کارهای سلطه خود در نظر بگیرد.

این نکات را به سادگی می توان با مثال سریال های پلیسی و جنایی تلویزیون انگلستان در دهه ۱۹۷۰ به خوبی نشان داد. ظاهراً این سریال ها بخشی از تلاش های گروههای حاکم در تثبیت مجدد موضع سیطره جویانه آنها است و با استفاده از وحشت از به خطر افتادن قانون و نظم، موثر واقع می شود.

استیلاي گروههای حاکم در جامعه انگلستان که بر پایه نوعی اصلاح طلبی سوسیال دموکرات استوار است کم کم تحت فشار تضاد های صنعتی و نژادی رو به نابودی بود. در نتیجه گروههای حاکم در جامعه انگلستان به مبارزات سیاسی، ایدئولوژیکی و فرهنگی دست زدند تا هژمونی خود را که کم کم جهت اقتدار طلبانه و پوپولیستی به خود گرفته بود، دوباره بدست آورند. این بدان معنا بود که اشکال فرهنگی عوامانه کم کم نگرانی مردم درباره جنایت با خطر جنایت و نظم اجتماعی و نیاز به تثبیت مجدد قانون و نظم در جامعه را مخاطب قرار داد.

به این ترتیب، هژمونی بازگشت حاکمیت سیاسی و فرهنگی قدرتمند ترین گروهها را به عنوان یک واکنش به آمال های مردم برای تامین رضایت گروههای تابع توصیف می کند. به این ترتیب است که دنیای غرب، برای حفظ برتری و نیز تداوم یافتن سلطه در جامعه، با استفاده از موسسات جامعه مدنی که مشخصه جوامع دموکراسی لیبرال و سرمایه داری تکامل یافته است، عمل کرده و حاکمیت قدرتمند خود را استمرار می بخشد و بدین طریق تداوم خود را تضمین می کند.

• عبارت وضعیت جهانی نابرابری های ارتباطی را توضیح بدهید.

قسمتی از جهان از طریق تکنولوژی و ثروت چشمگیری توانست به قدرت برسد و این قدرت منجر به برقراری ارتباطی یک سویه با جهان شد. سینمایی هالیوود را در نظر بگیرید، مذاکرات ۱+۵، و در اختیار داشتن خبرگزاری ها، رسانه ها، ثروت و تکنولوژی و نخبگان ارتباطی یک سویه را برای کشورهای دارای قدرت فراهم کرد. ارتباطی از شمال به جنوب. که این حتی نابرابری فرهنگی را نیز رقم زد. فرانسوی ها اگر در کشورشان یک فیلم از هالیوود اکران شود و فیلمی دیگر از محصول خود فرانسه باشد، فیلم فرانسوی را انتخاب می کنند تا از کشورشان حمایت کنند.

نتیجه نابرابری های ارتباطی این است که جنوب یا کشورهای فاقد قدرت نمی توانند در این ارتباط دو سویه شرکت کنند و نابرابری جهانی اتفاق می افتد. کشورهای در حال توسعه در صنعت و تکنولوژی عقب افتادند و به دنبال آن نیز در مدیریت نیز ضعیف تر بودند. در جوامع اروپایی پس از رنسانس صنعتی شدن اتفاق افتاد ولی ما در این پروسه صنعتی شدن با جهان

ارتباطی نداشتیم و تنها راهکار ما تولید فکر و نخبه است تولید پتانسیل فکری تا بتوانیم در این ارتباط روش های مان را در علم و دانش عوض کنیم.

• **عهدنامه آمریکایی حقوق بشر را با اعلامیه جهانی حقوق بشر مقایسه کنید و نظر خود را درباره اعلامیه فوق با دلایل روشن شرح دهید.**

پاسخ: عهدنامه آمریکایی حقوق بشر:

با توجه به این که این کنوانسیون در قالب یک مقدمه و سه قسمت تدوین یافته تلاش می‌نمایم تا محتوای کنوانسیون در اسلوب تنظیمی ارائه شود. در مقدمه کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر به تمایل دولتهای نیمکره آمریکا به متحد شدن در چهارچوب نهادهای دموکراتیک و ایجاد سیاست آزادی شخصی و عدالت اجتماعی بر بنای رعایت حقوق اساسی انسان و ملاحظه اصول حقوق انسانی مندرج در منشور سازمان کشورهای آمریکایی و اعلامیه آمریکایی حقوق بشر و تأیید اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره شده و تأکید گردیده که حقوق اساسی انسان ناشی از تعلق او به یک دولت واداشتن ملیت خاص نیست، بلکه از شخصیت انسانی قطع نظر از تعلقات وی ناشی می‌شود و از همین رو مورد حمایت بین المللی قرار می‌گیرد.

۱- **تعهد کلی دولتها و حقوق ماهوی**

قسمت اول (بخش اول) کنوانسیون که شامل پنج فصل می‌باشد دارای ۳۲ ماده است فصل اول به تعهدات عام و کلی دولتهای عضو اشاره نموده که در این راستا ماده یک، تعهد به رعایت حقوق بشر و آزادی‌های به رسمیت شناخته شده در این کنوانسیون و احترام تضمین آنها را نسبت به تمامی انسانها بدون هرگونه تبعیض خواستار شده است. در ماده ۲ نیز لزوم اتخاذ راهکارهای قانونی توسط دولتهای عضو جهت اجرای مقررات کنوانسیون در سطح داخلی مورد تأکید قرار گرفته است.

فصل دوم تا حدودی گسترده بوده و شامل مواد سوم تا بیست و پنجم می‌شود که مطابق آنها مهمترین حقوق مدنی و سیاسی که در سطح نظام آمریکایی به رسمیت شناخته شده در این فصل درج گردیده است. بطور خلاصه مهمترین حقوق مقرر در این فصل عبارتند از: حق شناسایی در برابر قانون به عنوان شخص، حق حیات، حق بر رفتار و برخورد انسانی و ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیرانسان، تحقیر آمیز و ظالمانه، حق آزادی از بردگی و ممنوعیت کار اجباری و قاچاق زنان، حق آزادی شخصی و امنیت خصوصی و ممنوعیت دستگیری و بازداشت خودسرانه، حق دادرسی عادلانه، عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری، حق جبران خسارت، حق برخورداری از حریم خصوصی (حق خلوت)، حق آزادی وجدانو مذهب، حق آزادی فکر و بیان، حق پاسخ، حق اجتماع و تشکیل اجتماعات مسالمت آمیز، حق آزادی تشکیل مجامع، حق تشکیل

خانواده و ازدواج آزادانه و با رضایت کامل طرفین و بهره‌مندی از حقوق مساوی زوجین در تمامی مراحل نکاح و انحلال آن، حق داشتن نام، حقوق کودک، حق تابعیت، حق مالکیت، آزادی عبور و مرور و اقامت، حق مشارکت در دولت، حق حمایت مساوی، حق حمایت قضایی و... البته بدیهی است که این حقوق و آزادیها برخی مطلق‌اند و برخی هم دارای قیود و محدودیت‌هایی‌اند که حدود و ثغور آنها در مواد مربوطه بیان شده است. فصل سوم کنوانسیون کوتاه بوده و تنها شامل ماده بیست و شش می‌گردد که در آن بر تعهد دولت‌های عضو به همکاری داخلی و بین‌المللی به ویژه با ماهیت اقتصادی و فنی جهت توسعه تدریجی و تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و... مندرج در منشور سازمان کشورهای آمریکایی تأکید شده است.

فصل چهارم کنوانسیون شامل مواد بیست و هفتم تا سی و یکم می‌باشد که در آنها به مقرراتی درباره تعلیق تضمین‌ها تفسیر و اجرا مقررات کنوانسیون تصریح گردیده است. در بند ماده ۲۷ به امکان تعلیق برخی از حقوق و آزادی‌ها در زمان جنگ و خطر عمومی و دیگر خطرات اضطراری که استقلال و امنیت کشور را تهدید می‌کند اشاره شده و در بند ۲ ماده ۲۷ هم برخی از موارد را بطور خاص برشمرده و آنها را از شمول بند ۱ خارج نموده و تعلیق این موارد را به هیچ وجه مجاز نمی‌داند. در ماده ۲۹ نیز محدودیت‌هایی را در خصوص تغییر مقررات کنوانسیون مقرر نموده تا بدین وسیله از تفسیر کنوانسیون به شکلی که موجب محرومیت شخص یا دولت‌های برشمرده شده در این کنوانسیون تصریح شده و آنها را تنها بر اساس قانون و به جهت مصالح عمومی و مطابق با اهدافی که این محدودیتها برای آنها تعیین شده موجه می‌داند.

در فصل پنجم که تنها شامل ماده ۳۲ می‌شود بر رابطه میان تکالیف و حقوق تأکید شده و شخصی را در برابر خانواده جامعه و بشریت مسؤول شناخته است.

۲- نهادهای نظارتی کنوانسیون آمریکایی

قسمت دوم کنوانسیون شامل فصل ششم تا نهم (۴ فصل) می‌گردد که از ماده سی و سه تا هفتاد و سه را شامل می‌شود. در این قسمت عمدتاً مقرراتی درباره شیوه‌های حمایت از هنجارهای به رسمیت شناخته شده، گنجانده شده است. در گام اول در ماده سی و سه با به رسمیت شناختن دو نهاد کمیسیون آمریکایی حقوق بشر و دیوان آمریکایی حقوق بشر گام نخست در شناسایی ارگانهای صلاحیت دار جهت نظارت و اجرای مقررات کنوانسیون صورت پذیرفت و سپس در ادامه در فصل هفتم نحوه ترکیب، تشکیل و انتخاب اعضای کمیسیون آمریکایی حقوق بشر و همچنین وظایف، نحوه عملکرد و آیین کار آن به تفصیل در مواد ۳۴ تا ۵۱ شرح داده شده است.

در فصل هشتم نیز دیگر ناد نظارتی و قضایی ناظر بر اجرای مقررات مندرج در کنوانسیون یعنی دیوان آمریکایی حقوق بشر معرفی گردیده است. نحوه ترکیب، تشکیل، انتخاب اعضا، مدت انجام وظایف آنها و چگونگی ویژگی‌های شخصی و انتخاب آنها و سایر مقررات مربوط به صلاحیت و وپایف این دیوان و اقدامات آن و آیین رسیدگی دیوان در مواد ۵۲ تا ۶۹ گنجانده

شده است. در این قسمت در نهایت در فصل نهم به مقرراتی عام درباره مصونیت قضاوت دیوان و اعضای کمیسیون و همچنین ممنوعیت اشغال آنها به فعالیتهای دیگر و نحوه دریافت حقوق و هزینه‌های سفر و اعمال مجازات‌هایی علیه اعضای کمیسیون یا قضاوت اشاره شده که شامل مواد ۷۰ تا ۷۳ می‌باشد.

۳- مقررات عام و نهایی

قسمت سوم کنوانسیون هم شامل دو فصل دهم و یازدهم می‌شود که از ماده ۷۴ شروع شده و به ماده ۸۲ ختم می‌شود. این قسمت بخش پایانی مقررات کنوانسیون است و مطابق رویه معمول در سایر اسناد در این قسمت هم مقرراتی عام و نهایی درباره کمیسیون آمریکایی حقوق بشر و دیوان آمریکایی حقوق بشر بیان شده است. ماده ۷۵ کنوانسیون این اختیار را به دولت‌ها داده که ضمن تصویب کنوانسیون نسب به برخی از مواد آن حق تحفظ یا حق شرط (Reservation) اعلام نمایند، مشروط بر این که با مقررات کنوانسیون وین در مورد معاهدات مصوب ۲۳ مه ۱۹۶۹ مطابقت داشته باشد.

در این کنوانسیون حتی خروج از آن نیز پیش بینی شده و ماده ۷۸ صریحاً بیان می‌نماید که دولت‌های عضو می‌توانند پس از گذشت ۵ سال از تاریخ لازم الاجرا شدن آن، طی یادداشتی که برای دبیرکل سازمان کشورهای آمریکایی ارسال می‌کنند، خروج خود از کنوانسیون را اعلام نمایند و یک سال بعد از وصول این یادداشت خروج از کنوانسیون و عدم تعهد به اجرای مقررات آن قطعی می‌شود.

به این ترتیب کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ضمن به رسمیت شناختن بسیاری از حقوق ماهوی مهم و بنیادین در راستای اجرای آنها به تدوین مقرراتی در تأسیس دو نهاد نظارتی مهم نیز پرداخته و به این وسیله گام مهمی در سطح منطقه‌ای در نظام آمریکایی حقوق بشر در جهت ترویج تقویت و حمایت از حقوق بشر برداشته است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر:

اعلامیه جهانی حقوق بشر که در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب رسیده، رواق بنای حقوق بشر را تشکیل می‌دهد که مسئولیت ساخت آن بر عهده ی ملل متحد است.

دیباچه

از آن جا که شناسایی حیثیت و کرامت ذاتی تمام اعضای خانواده ی بشری و حقوق برابر و سلب ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان است؛

از آن جا که نادیده گرفتن و تحقیر حقوق بشر به اقدامات وحشیانه ای انجامیده که وجدان بشر را بر آشفته اند و پیدایش جهانی که در آن افراد بشر در بیان و عقیده آزاد، و از ترس و فقر فارغ باشند، عالی ترین آرزوی بشر اعلام شده است؛

از آن جا که ضروری است که از حقوق بشر با حاکمیت قانون حمایت شود تا انسان به عنوان آخرین چاره به طغیان بر ضد بیداد و ستم مجبور نگردد ؛

از آن جا که گسترش روابط دوستانه میان ملت ها باید تشویق شود ،

از آن جا که مردمان ملل متحد ، ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و حیثیت و کرامت و ارزش فرد انسان و برابری حقوق مردان و زنان ، دوباره در منشور ملل متحد اعلام و عزم خود را جزم کرده اند که به پیشرفت اجتماعی یاری رسانند و بهترین اوضاع زندگی را در پرتو آزادی فزاینده به وجود آورند ؛

از آن جا که دولت های عضو متعهد شده اند که رعایت جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی های اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تضمین کنند

از آن جا که برداشت مشترک در مورد این حقوق و آزادی ها برای اجرای کامل این تعهد کمال اهمیت را دارد ؛مجمع عمومی این اعلامیه جهانی حقوق بشر

را آرمان مشترک تمام مردمان و ملت ها اعلام می کند تا همه ی افراد و تمام نهادهای جامعه این اعلامیه را همواره در نظر داشته باشند و بکوشند که به یاری آموزش و پرورش ، رعایت این حقوق و آزادی ها را گسترش دهند و با تدابیر فزاینده ی ملی و بین المللی ، شناسایی و اجرای جهانی و مؤثر آن ها را ، چه در میان خود مردمان کشورهای عضو و چه در میان مردم سرزمین هایی که در قلمرو آن ها هستند ، تأمین کنند.

ماده ی ۱: تمام افراد بشر آزاد زاده می شوند و از لحاظ حیثیت و کرامت و حقوق با هم برابرند. همگی دارای عقل و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روحیه ای برادرانه رفتار کنند.

ماده ی ۲: هر کس می تواند بی هیچ گونه تمایزی ، به ویژه از حیث نژاد ، رنگ ، جنس ، زبان ، دین ، عقیده ی سیاسی یا هر عقیده ی دیگر ، و همچنین منشاء ملی یا اجتماعی ، ثروت ، ولادت یا هر وضعیت دیگر ، از تمام حقوق و همه ی آزادی های ذکر شده در این اعلامیه بهره مند گردد.

به علاوه نباید هیچ تبعیضی به عمل آید که مبتنی بر وضع سیاسی ، قضایی یا بین المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد ، خواه این کشور یا سرزمین مستقل ، تحت قیمومیت یا غیر خودمختار باشد ، یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد.

ماده ی ۳: هر فردی حق زندگی ، آزادی و امنیت شخصی دارد.

ماده ی ۴: هیچ کس را نباید در بردگی یا بندگی نگاه داشت: بردگی و داد و ستد بردگان به هر شکلی که باشد ، ممنوع است.

ماده ی ۵: هیچ کس نباید شکنجه شود یا تحت مجازات یا رفتاری ظالمانه ، ضد انسانی یا تحقیر آمیز قرار گیرد.

ماده ی ۶: هر کس حق دارد که شخصیت حقوقی اش در همه جا به رسمیت شناخته شود.

ماده ی ۷: همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بی هیچ تبعیضی از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه ی حاضر باشد ، و بر ضد هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید ، از حمایت یکسان قانون بهره مند گردند.

ماده ی ۸: در برابر اعمالی که به حقوق اساسی فرد تجاوز کنند - حقوقی که قانون اساسی یا قوانین دیگر برای او به رسمیت شناخته است - هر شخصی حق مراجعه ی مؤثر به دادگاه های ملی صالح را دارد.

ماده ی ۹: هیچ کس را نباید خودسرانه توقیف ، حبس یا تبعید کرد.

ماده ی ۱۰: هر شخص با مساوات کامل حق دارد که دعوایش در دادگاهی مستقل و بی طرف ، منصفانه و علنی رسیدگی شود و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات وی ، یا هر اتهام جزایی که به او زده شده باشد ، تصمیم بگیرد.

ماده ی ۱۱:

۱) هر شخصی که به بزه کاری متهم شده باشد ، بی گناه محسوب می شود تا هنگامی که در جریان محاکمه ای علنی که در آن تمام تضمین های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد ، مجرم بودن وی به طور قانونی محرز گردد.

۲) هیچ کس نباید برای انجام دادن یا انجام ندادن عملی که در موقع ارتکاب آن ، به موجب حقوق ملی یا بین المللی جرم شناخته نمی شده است ، محکوم نخواهد شد. همچنین هیچ مجازاتی شدیدتر از مجازاتی که در موقع ارتکاب جرم به آن تعلق می گرفت ، درباره ی کسی اعمال نخواهد شد.

ماده ی ۱۲: نباید در زندگی خصوصی ، امور خانوادگی ، اقامت گاه یا مکاتبات هیچ کس مداخله های خودسرانه صورت گیرد یا به شرافت و آبرو و شهرت کسی حمله شود. در برابر چنین مداخله ها و حمله هایی ، برخورداری از حمایت قانون حق هر شخصی است.

ماده ی ۱۳:

۱) هر شخصی حق دارد در داخل هر کشور آزادانه رفت و آمد کند و اقامت گاه خود را برگزیند.

۲) هر شخصی حق دارد هر کشوری، از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خویش بازگردد.

ماده ی ۱۴

۱) در برابر شکنجه، تعقیب و آزار، هر شخصی حق درخواست پناهندگی و برخورداری از پناهندگی در کشورهای دیگر را دارد.

۲) در موردی که تعقیب واقعاً در اثر جرم عمومی و غیر سیاسی یا در اثر اعمالی مخالف با هدف ها و اصول ملل متحد باشد، نمی توان به این حق استناد کرد.

ماده ی ۱۵

۱) هر فردی حق دارد که تابعیتی داشته باشد.

۲) هیچ کس را نباید خودسرانه از تابعیت خویش، یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد.

ماده ی ۱۶

۱) هر مرد و زن بالغی حق دارند بی هیچ محدودیتی از حیث نژاد، ملیت، یا دین با همدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده بدهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در امور مربوط به ازدواج حقوق برابر دارند.

۲) ازدواج حتماً باید با رضایت کامل و آزادانه ی زن و مرد صورت گیرد.

۳) خانواده رکن طبیعی و اساسی جامعه است و باید از حمایت جامعه و دولت بهره مند شود.

ماده ی ۱۷

۱) هر شخص به تنهایی یا به صورت جمعی حق مالکیت دارد.

۲) هیچ کس را نباید خودسرانه از حق مالکیت محروم کرد.

ماده ی ۱۸: هر شخصی حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و دین بهره مند شود: این حق مستلزم آزادی تغییر دین یا اعتقاد و همچنین آزادی اظهار دین یا اعتقاد، در قالب آموزش دینی، عبادت ها و اجرای آیین ها و مراسم دینی به تنهایی یا به صورت جمعی، به طور خصوصی یا عمومی است.

ماده ی ۱۹: هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد و این حق مستلزم آن است که کسی از داشتن عقاید خود بیم و نگرانی نداشته باشد و در کسب و دریافت و انتشار اطلاعات و افکار، به تمام وسایل ممکن بیان و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.

ماده ی ۲۰

۱) هر شخصی حق دارد از آزادی تشکیل اجتماعات ، مجامع و انجمن های مسالمت آمیز بهره مند گردد.

۲) هیچ کس را نباید به شرکت در هیچ اجتماعی مجبور کرد.

ماده ی ۲۱

۱) هر شخصی حق دارد که در اداره امور عمومی کشور خود ، مستقیماً یا به وساطت نمایندگان که آزادانه انتخاب شده باشند ، شرکت جوید.

۲) هر شخصی حق دارد با شرایط برابر به مشاغل عمومی کشور خود دست یابد.

۳) اراده ی مردم ، اساس قدرت حکومت است: این اراده باید در انتخاباتی سالم ابراز شود که به طور ادواری صورت می پذیرد. انتخابات باید عمومی ، با رعایت مساوات و با رأی مخفی یا به طریقه ای مشابه برگزار شود که آزادی رأی را تأمین کند.

ماده ی ۲۲: هر شخصی به عنوان عضو جامعه حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به یاری مساعی ملی و همکاری بین المللی ، حقوق اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی ضروری برای حفظ حیثیت و کرامت و رشد آزادانه ی شخصیت خود را ، با توجه به تشکیلات و منابع هر کشور ، به دست آورد.

ماده ی ۲۳:

۱) هر شخصی حق دارد کار کند ، کار خود را آزادانه برگزیند ، شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خواستار باشد و در برابر بی کاری حمایت شود.

۲) همه حق دارند که بی هیچ تبعیضی ، در مقابل کار مساوی ، مزد مساوی بگیرند.

۳) هر کسی که کار می کند حق دارد مزد منصفانه و رضایت بخشی دریافت دارد که زندگی او و خانواده اش را موافق حیثیت و کرامت انسانی تأمین کند و در صورت لزوم با دیگر وسایل حمایت اجتماعی کامل شود.

۴) هر شخصی حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و یا به اتحادیه های موجود بپیوندد.

ماده ی ۲۴: هر شخصی حق استراحت ، فراغت و تفریح دارد و به ویژه باید از محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی ها و تعطیلات ادواری با دریافت حقوق بهره مند شود.

ماده ی ۲۵:

۱) هر شخصی حق دارد که از سطح زندگی مناسب برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده اش ، به ویژه از حیث خوراک ، پوشاک ، مسکن ، مراقبت های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری برخوردار شود ؛ همچنین حق دارد که در مواقع بی کاری ، بیماری ، نقض عضو ، بیوگی ، پیری یا در تمام موارد دیگری که به عللی مستقل از اراده ی خویش وسایل امرار معاشش را از دست داده باشد ، از تأمین اجتماعی بهره مند گردد.

۲) مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت ویژه برخوردار شوند. همه ی کودکان ، اعم از آن که در پی ازدواج یا بی ازدواج زاده شده باشند ، حق دارند که از حمایت اجتماعی یکسان بهره مند گردند.

ماده ی ۲۶

۱) هر شخصی حق دارد که از آموزش و پرورش بهره مند شود. آموزش و پرورش ، و دست کم آموزش ابتدایی و پایه باید رایگان باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش فنی و حرفه ای باید همگانی شود و دست یابی به آموزش عالی باید با تساوی کامل برای همه امکان پذیر باشد تا هر کس بتواند بنا به استعداد خود از آن بهره مند گردد.

۲) هدف آموزش و پرورش باید شکوفایی همه جانبه ی شخصیت انسان و تقویت رعایت حقوق بشر و آزادی های اساسی باشد. آموزش و پرورش باید به گسترش حسن تفاهم ، دگرپذیری و دوستی میان تمام ملت ها و تمام گروه های نژادی یا دینی و نیز به گسترش فعالیت های ملل متحد در راه حفظ صلح یاری رساند.

۳) پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش برای فرزندان خود ، بر دیگران حق تقدم دارند.

ماده ی ۲۷

۱) هر شخصی حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع سهیم و شریک گردد و از هنرها و به ویژه از پیشرفت علمی و فواید آن بهره مند شود.

۲) هر کس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار علمی ، ادبی یا هنری خود برخوردار گردد.

ماده ی ۲۸: هر شخصی حق دارد خواستار برقراری نظمی در عرصه ی اجتماعی و بین المللی باشد که حقوق و آزادی های ذکر شده در این اعلامیه را به تمامی تأمین و عملی سازد.

ماده ی ۲۹

۱) هر فردی فقط در برابر آن جامعه ای وظایفی بر عهده دارد که رشد آزادانه و همه جانبه ی او را ممکن می سازد.

۲) هر کس در اعمال حقوق و بهره‌گیری از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هایی قانونی است که صرفاً برای شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات عادلانه‌ی اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در جامعه‌ی دموکراتیک وضع شده‌اند.

۳) این حقوق و آزادی‌ها در هیچ موردی نباید برخلاف هدف‌ها و اصول ملل متحد اعمال شوند.

ماده‌ی ۳۰: هیچ‌یک از مقررات اعلامیه‌ی حاضر نباید چنان تفسیر شود که برای هیچ‌یک دولت، جمعیت یا فردی متضمن حقی باشد که به موجب آن برای از بین بردن حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه‌ی فعالیت‌ی انجام دهد یا به عملی دست بزند.

• انواع مذاکره و نتایج آن را توضیح دهید و برای روشن شدن مطلب از یک نمودار ساده می‌توانید استفاده کنید.

پاسخ: انواع مذاکره عبارت است از:

- ۱- **تهاجمی:** یکی از دو طرف می‌خواهد به تمام خواسته‌های خود برسد و طرف دیگر را ملزم به تسلیم شدن می‌داند.
- ۲- **تسلیمی:** زمانی هست که رقیب به ماکزیمم قدرت می‌رسد و به اهداف خود دست می‌یابد که در این مورد طرف مقابل تسلیم می‌شود.
- ۳- **اجتنابی:** به صورتی که هیچ‌یک از طرفین به اهداف خود دست پیدا نمی‌کنند.
- ۴- **برد برد:** که هر دو طرف به حداکثر اهداف خود می‌رسند که مذاکره برد برد می‌شود.
- ۵- **مصالحه:** در بیشتر مواقع مذاکرات به گونه‌ای است که هر دو طرف به بخشی از خواسته‌های خود می‌رسند که سازش و مصالحه صورت می‌گیرد.

یک مذاکره بر اساس خواسته‌ها و آرزوهای شخصی صورت نمی‌گیرد بلکه مصلحت کل کشور باید در نظر گرفته شود، مذاکره، یک ضرورت، نیاز و واقعیت است و اگر بر اساس خواسته‌های شخصی و آرمانهای شخصی باشد مذاکره‌ای صورت نمی‌گیرد باید واقعیت جهانی را در نظر گرفت و بر اساس موقعیت جهانی امتیازاتی را به طرف مقابل داد اگر چه که ممکن است بر اساس خواسته‌های ما نباشد. ابران در منطقه‌ای قرار دارد که کشورهای ترکیه، پاکستان، عربستان قرار دارند و باید بر اساس کشورهای منطقه ضرورت‌های خود را در عرصه بین‌الملل بشناسد و بر اساس آن عمل کند. ترکیه در

حال حاضر در حال تصاحب بازارهای اقتصادی است و امتناع ایران از مذاکره ، بازارهای اقتصادی این کشور را بیشتر رونق می بخشد و یا اینکه در حال حاضر با وجود سابقه علمی و فرهنگی ایران ، تمام دانشکده های شرق شناسی در عربستان تشکیل شده است.

عربستان و اسرائیل افزایش نقش و اهمیت خود را به طور سنتی در تضعیف نقش ایران در منطقه و تنش در روابط با غرب به خصوص آمریکا در نظر می گیرند. ترکیه و قطر خواهان حفظ تعادل قدرت در منطقه به نفع منافع خود هستند و از حضور پر رنگ ایران نگران هستند چون در بحران سوریه نقش ایران و متحدان آن یعنی عراق و لبنان و سوریه پر رنگ تر می شود. روسیه و چین از افزایش تحریم ها نفع می برند چون کاهش روابط ایران با غرب باعث افزایش روابط آنها با غرب می شود ولی از این توافق ژنو سود هم می برند چون منابع مالی بلوکه شده آنها در بانک های غربی آزاد می شود.

در توافق ژنو سه مشکل اصلی وجود دارد که اگر رفع شود این مذاکرات به نفع مقابل تمام می شود:

۱- هدف اصلی مذاکرات هسته ای برداشتن تحریم های بانکی و نفتی علیه ایران است که برداشته نشده و فقط تحریم های هسته ای در این توافق در نظر گرفته شده است.

۲- حق غنی سازی مشروط به نظر آمریکاست که می تواند نظر خاص خود را داشته باشد و محدودیت ایجاد کند

۳- با پذیرش پروتکل الحاقی پروژه های نظامی و موشکی ایران محدودیت می یابد.

از نظر تاریخی اگر بخواهیم بررسی کنیم استفاده از انرژی هسته ای از دوران سلطنت محمد رضا شاه پهلوی مطرح شد و با ایجاد سازمان انرژی اتمی ایران آغاز پروژه راکتور اتمی بوشهر و مشارکت مالی ایران در طرحهای فناوری سوخت اتمی فرانسه شروع شده در سال ۱۳۵۷ با پیروزی انقلاب اسلامی ساخت نیروگاه متوقف شد با روی کار آمدن ولادیمیر پوتین دوباره آغاز شد و در زمان دولت هشتم ایران دوباره به حالت تعلیق درآمد. در سال ۲۰۰۳ در بیانیه سعد آباد اجازه بازدید به بازرسان آژانس اتمی داده شد و یک سال بعد ساخت و آزمایش سانتریفیوژهای موجود در توافق نامه بروکسل متوقف شد در قرار داد پاریس هم همین روند ادامه پیدا کرد تا در دوران دولت نهم که غنی سازی دوباره از سر گرفته شد بعد از آن تحریم ها شروع شد و محدودیت های مالی برای شرکت ها و افراد وابسته به سپاه پاسداران و سازمان انرژی اتمی افزایش یافت و مذاکرات ژنو ۱.۲.۳ و استانبول یک و دو ، بغداد ، مسکو و آلماتی یک و دو بدون نتیجه انجام شد تا اینکه در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی مذاکرات و گفتگوهای تازه ای مطرح شد.

فصل چهارم

در این فصل می خوانید:

- * خبرگزاری های بین المللی و حوزه فعالیت های آن ها
- * شبیح وارگی رسانه ها را در ارتباطات جهانی
- * مقوله حمایت از روزنامه نگاران در ماموریت های خطرناک
- * عبارت شرافت حرفه ای روزنامه نگاران در مبحث مقررات جهانی
- * روزنامه های زرد را در عرصه ارتباطات

• خبرگزاری های بین المللی و حوزه فعالیت های آن ها را بنویسید.

پاسخ: سابقه تاسیس خبرگزاری ها در جهان به بیش از ۱۵۰ سال پیش باز می گردد، پیش از اختراع تلگراف، اخبار به صورت دهان به دهان و از طریق نامه و روزنامه ها به کندی انتقال می یافت. با شروع به کار اولین خطوط تلگرافی در اروپا و گسترش سریع آن، ارسال پیام های الکتریکی از طریق تلگراف و مورس راه را برای مبادله سریع تر اطلاعات فراهم کرد و با استفاده از این وسایل و رشد روزنامه ها، بازار اخبار داغ تر شد و منجر به پدید آمدن خبرگزاری ها شد.

تعریف خبرگزاری: خبرگزاری به مفهوم کلاسیک آن یک سازمان تخصصی محلی، ملی و بین المللی برای گرد آوری و توزیع خبر است که مأموریت تولید و توزیع خبر برای روزنامه ها، مجلات و سازمان های رادیویی و تلویزیونی را بر عهده دارد.

خبرگزاری "هاوس" قدیمی ترین آژانس خبری دنیا است که در سال ۱۸۳۵ بوسیله یک فرد یهودی بنام "چارلز لوئیس هاواس" که پدر روزنامه نگاری جهان لقب گرفته است، تاسیس شد. هاواس، انحصار دولتی ارسال اخبار از طریق تلگراف نوری را در فرانسه در اختیار داشت. خبرگزاری هاواس در سال ۱۹۴۴ در اتحاد با چند واحد اطلاعاتی به خبرگزاری فرانسه یا فرانس پرس AFP تغییر نام یافت.

هم اکنون در جهان بیش از ۱۲۰۰ خبرگزاری فعالیت می کنند که از این تعداد افزون بر ۱۰۰ خبرگزاری که در قاره های مختلف استقرار دارند در زمره خبرگزاری مهم دنیا به شمار می روند.

پنج خبرگزاری مهم جهان: فرانسه - رویترز - آسوشیتد پرس - یونایتد پرس - ایتر تاس

اولین خبرگزاری های جهان در سطح بین المللی به نام آقایان "هاواس، برنارد وولف و ژولیوس رویتر" ثبت شد.

خبرگزاری ایتر تاس: این خبرگزاری در ۲۲ ژانویه ۱۹۹۱ به فرمان بوریس یلتسین به نام آژانس خبرگزاری تلگرافی روسیه (ایتر) تحت نظارت دولت فدراسیون آغاز به کار کرد. بر طبق این فرمان ایتر به عنوان خبرگزاری دولتی روسیه در داخل و خارج از کشور فعالیت می کرد، اما از آنجا که نام تاس که خبرگزاری رسمی شوروی بود، شهرت جهانی داشت، این نام در کنار ایتر باقی ماند. ITAR-TASS به شش زبان زنده دنیا که عبارتند از روسی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، اسپانیایی و عربی اخبار خود را مخابره می کند. این خبرگزاری در روز بیش از حدود ۲۰۰ صفحه ای روزنامه خبر مخابره می کند. خبرگزاری ITAR-TASS بزرگترین مجموعه عکس های خبری را در روسیه و کشورهای مشترک المنافع دارد. این

خبرگزاری بیش از ۱۵۰ عکاس خبری در روسیه و کشورهای مشترک المنافع دارد. روزانه ۵۰ تا ۱۰۰ عکس روی پایگاه اینترنتی این خبرگزاری قرار می‌گیرد.

خبرگزاری یونایتدپرس: خبرگزاری یونایتدپرس در سال ۱۹۰۷ به وسیله گروه مطبوعات اسکریپس تاسیس شد. مقر این خبرگزاری در نیویورک است. یونایتدپرس تا سال ۱۹۵۸ فقط فعالیت داخلی داشت و پس از ادغام شدن با اینترنتشنال نیوز فعالیت بین‌المللی خود را آغاز کرد و فعالیت‌های خود را در ۱۱۴ کشور جهان توسط ده هزار کارمند که در ۲۳۸ دفتر کار می‌کردند؛ انجام می‌داد.

این خبرگزاری ۱۰۲۶ روزنامه ۳۲۳۷ ایستگاه رادیویی و ۴۴۵ ایستگاه تلویزیونی مشترک خبری دارد و ۹۲ کشور جهان را تحت پوشش گزارش خبری خود قرار می‌دهد. یونایتدپرس اولین خبرگزاری‌ای بود که بر مصاحبه با اشخاص مختلف و ارایه داستان‌های زندگی شخصیت‌ها به عنوان بخش مهمی از گزارش‌های خبری خود تاکید کرد. اسکریپس، یونایتدپرس را بر اساس این اصل که هیچ کس نباید هیچ محدودیتی برای خرید و دسترسی به اخبار از یک سرویس خبری داشته باشد، بنیان نهاد. این اصل، یونایتدپرس را به تهدید مستقیمی برای سرویس‌های خبری انحصارگرای اروپا و آمریکا تبدیل کرد.

در بیانیه آغاز به کار یونایتدپرس در ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۷ آمده بود: اعلام می‌شود که یونایتدپرس خط سیر و مشی انحصارگرانه‌ای نخواهد داشت، بلکه هدف آن ارایه خدمات منصفانه و غیر جانبدارانه به تمامی ناشران معتبر روزنامه‌ها در هر زمینه‌ای می‌باشد.

اسوشیتدپرس: این خبرگزاری تأسیس خود را مدیون تلگراف است. تلگراف مورس نه تنها در اواخر دهه ۱۸۴۰ عمکرد مناسبی داشت، بلکه موجب شد تا بزرگترین روزنامه‌های نیویورک کار خود را آغاز کنند و پوشش خبری جنگ مکزیک منجر به موافقت روزنامه‌های نیویورک برای تأسیس یک آژانس خبری گردد.

از طرف دیگر اخبار اروپا برای مطبوعات آمریکا حائز اهمیت بود بدین ترتیب برای جمع‌آوری این اخبار در ماه می ۱۸۴۸ میلادی شش روزنامه نیویورک شریک شدند و ثمره این شراکت، بزرگترین غول خبری یعنی "اسوشیتد پرس" شد.

در همین زمان بود که خبرگزاری‌ها دریافتند که رقابت فایده‌ای ندارد، پس به هم نزدیک شدند و موافقت‌نامه‌هایی برای همکاری با یکدیگر امضاء کردند که هم زمان با این اقدام نخستین تقسیم‌بندی‌های جهانی شکل گرفت. در سال ۱۸۷۲ خبرگزاری اسوشیتد پرس نیز به جرگه سه خبرگزاری اروپایی برای مبادله خبر پیوست.

اسوشیتد پرس شکل حقوقی خود را در سال ۱۹۰۰ میلادی به دست آورد که اساس این سازمان بر پایه تهیه و فراهم آوردن اخبار ملی، بین‌المللی و ایالتی، عکس‌ها، گرافیک مطبوعاتی و یا نشر آنها و عرضه خدمات در هر زمان با کیفیت بالا برای صاحبان داخلی تا حد امکان است.

اسوشیتد پرس در حال حاضر ۸۵۰۰ مشترک بین المللی در سطح جهان دارد که اخبار و عکس های خود را از این سازمان تهیه می کنند و خدمات خبری و اطلاعاتی ۱۱۲ کشور را بر عهده دارد که این اخبار به پنج زبان انگلیسی ، آلمانی ، هلندی ، فرانسوی و اسپانیایی تهیه و ارسال می شود. در حال حاضر این خبرگزاری بیش از ۳ هزار و ۷۰۰ نیرو دارد که در ۲۴۰ اداره این خبرگزاری در سراسر جهان مشغولند.

خبرگزاری هاواس: چارلز آگوست هاواس ، اولین آژانس خبری دنیا را در سال ۱۸۳۵ میلادی در فرانسه ایجاد کرد ابتدا کار خود را با ترجمه روزنامه های خارجی و در اختیار قرار دادن اطلاعات و اخبار به روزنامه های فرانسوی آغاز نمود.

خبرگزاری هاواس که با کمک دولت سریعاً رشد کرد. پس از گذشت مدت کوتاهی موفق شد انحصار خدمات تگرافی را به دست آورد. خبرگزاری هاواس برای ارسال سریع اخبار قرار دادهایی را با شرکت های تبلیغاتی منعقد کرد و روزنامه ها سهم خود را از درآمد حاصل از انتشار تبلیغات بازرگانی یا مالی به خبرگزاری هاواس می پرداختند. در سال ۱۸۸۰ میلادی هاواس در فرانسه بی رقیب بود.

خبرگزاری وولف: در سال ۱۸۴۹ میلادی "برنارد وولف" کارمند خبرگزاری هاواس و ناشر روزنامه برلین به انتشار اخبار سهام بورس در بازار و ارسال گزارش هایی از پاریس ، لندن ، آمستردام و فرانکفورت پرداخت و بدین ترتیب خبرگزاری " وولف" تأسیس شد. " وولف" اولین خبرگزاری بود که برای جمع آوری و ارسال اخبار از تلگراف الکتریکی استفاده کرد. خبرگزاری وولف روزنامه های آلمان را نزدیک به یک قرن یعنی تا سقوط نازی ها در جنگ جهانی دوم تغذیه می کرد.

خبرگزاری رویترز: "ژولیوس رویتر" آلمانی الاصل از کارکنان پایه گذار هاواس در سال ۱۸۵۱ خبرگزاری خود را به صورت رسمی در لندن افتتاح کرد. تخصص این خبرگزاری بر بورس و مبادله اخبار بود. علاوه بر اخبار مالی ، به ارسال گزارش های عمومی تر نیز اقدام کرده و با مبادله خبر در سراسر جهان تا سال ۱۸۷۰ ادامه داد.

یکی از مهم ترین روزنامه هایی که از این خبرگزاری تغذیه می کرد، روزنامه تایمز بود. در سال ۱۸۵۹ رویترز ، هاواس و وولف موافقت نامه ای را بین خود امضاء کردند که مبادله اخبار از سراسر جهان را در اختیار خود بگیرند. در حال حاضر این سازمان خبری بیش از ۱۸ هزار کارمند در ۲۰۴ شهر از یکصد کشور جهان دارد.

رویترز: یک شرکت خبر بریتانیایی بود که به ارسال خبرهای بازار سهام بین لندن و پاریس اقدام می کرد. رویترز شرکتی است که بیشتر اطلاعات بازارهای مالی جهان و رسانه های خبری را به همراه یک رشته از محصولات اطلاعاتی و راه حل های معاملاتی از جمله داده ها، اطلاعات، تحقیقات و تحلیل هایی درباره اوضاع فعلی بازار و اوضاع گذشته آن، اوضاع معاملات مالی، داده هایی درباره سرمایه گذاری و تحلیل اخبار در قالب متن، ویدئو، گرافیک و عکس را به مشتریان و مخاطبان خود ارائه می دهد.

بی بی سی: نمونه ای از شبکه خبری در راستای امپریالیسم خبری:

بنگاه پخش برنامه و خبر انگلیسی (British Broadcasting Corporation) یک شرکت سهامی ملی است که در سال ۱۹۲۲ با هدف پخش اخبار ملی در سراسر انگلیس راه اندازی شد. نظر سنجی ها نشان می دهد که bbc در بسیاری از زمانها در عرصه اطلاع رسانی نقش پیشرو داشته است. بخش جهانی رادیو bbc به عنوان مهمترین بخش ۱۵۰ میلیون شنونده دارد برنامه رادیو bbc برای ۴۳ زبان زنده دنیا برنامه پخش می کند. این رادیو ۲۵۰ خبرنگار در سراسر دنیا دارد و روزانه ۱۰۰ ساعت برنامه خبری رادیو و تلویزیونی پخش می کند. بخش فارسی در هفته بیش از ۹۰ ساعت برنامه دارد. سایت bbc مجموعه ی کامل از اخبار و آرشیو خبری است که به کاربران امکان این را می دهد تا برنامه های تکمیلی و... را دریافت کنند.

خبرگزاری فرانسه: بزرگترین خبرگزاری در فرانسه است. این خبرگزاری قدیمی ترین آژانس خبری دنیاست و در سال ۱۸۳۵ به وسیله چارلز لوویس هاواس تأسیس شد که مرکز آن در پاریس است. در ۱۶۵ کشور جهان خبرنگاران AFP حضوری فعال دارند و در ۱۱۰ کشور نیز دفتر دارد. این خبرگزاری به زبان های فرانسه، انگلیسی، عربی، اسپانیایی، آلمانی، پرتغالی و روسی اخبار خود را به سراسر جهان مخابره می کند. امروزه این خبرگزاری به توسعه فعالیت جهان گستر خود ادامه می دهد و برای خودش شبکه های رادیویی، تلویزیونی و روزنامه راه انداخته است. مهم ترین و اولین مشتری AFP دولت فرانسه است که تولیدات خبری این خبرگزاری را برای سرویس های مختلف خود خریداری می کند. خبرگزاری فرانسه بیش از ۲ هزار کارمند دارد که ۹۰۰ نفر آنها خارج از فرانسه در حال فعالیت هستند. این خبرگزاری روزانه حدود ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار کلمه خبر متنی، ۷۰۰ عکس خبری و ۵۰ گرافیک و طرح خبری تولید می کند. تولیدات خبری AFP به ۳ صورت ارائه می شود: تولیدات آن لاین، تولیدات متنی، تولیدات تصویری. این آژانس خبری هم اکنون هزاران مشترک از رادیو، تلویزیون، روزنامه و شرکت دارد.

• شبح وارگی رسانه ها را در ارتباطات جهانی توضیح دهید.

پاسخ: برای پاسخ به این سوال ابتدا اشاره ای داریم به نظریه تمثیل غار افلاطون: در این نظریه افلاطون می خواهد زندانیانی را در غاری زیرزمینی با آتشی بر افروخته در پشت سرشان تصور کنیم این زندانیان به گونه ای در زنجیرند که فقط می توانند سایه های افتاده روی دیوار مقابلشان را ببینند. اینها سایه های آدمکهای است که به دست افرادی پنهان در پشت شان در جلو آتش به بالا و پایین حرکت می کنند. زندانیان تصور می کنند تنها چیزی که برای دیدن وجود دارد همین سایه ها است. اگر آنها از بند رها شوند و به سوی آتش و آدمکها برگردند سرگردان شده و چه بسا در همان حالت اولیه بمانند. فقط تعداد اندکی می توانند با درک اینکه آنچه می بینند فقط سایه آدمک ها است کنار بیایند. در داستان هملت نیز

شبحی که پدر اوست با وی همراه می شود و وی را از واقعیت‌هایی از نحوه مرگ خود مطلع می کند و خیانت‌های مادر و عمومی هملت که در حال حاضر در تخت پادشاهی نشسته است را آشکار می کند این شبح تا پایان عمر هملت همراه اوست.

بر اساس نظریه ژان بودریار، فیلسوف معاصر فرانسوی و از پیشگامان اندیشه پسامدرن در جامعه مصرفی که متناسب با عصر پسامدرن است، رسانه‌ها به نشانه بدل شده‌اند و واقعیت‌ها را همچون گذشته منتقل نمی‌کنند. این به آن دلیل است که رسانه‌ها رویدادها و واقعیت‌ها را آنگونه که خود می‌خواهند تغییر می‌دهند و به عبارتی واقعیت را از معنا تهی کرده‌اند. به همین علت، در عصر سیطره رسانه‌ها، واقعیت به مجاز تبدیل می‌شود و رسانه‌ها خود تعیین‌کننده واقعیت می‌شوند.

بحث شبه وارگی نزد دریدا که در کتاب اشباح مارکس او بیان شده شبح را امری می داند که هم هست و هم نیست. واقعیت شبح است نمود این شبح امروز در حوزه رسانه و تصویر است. این شبح در حال پرسه زدن است. شبح در اینجا متوجه غیاب است رسانه‌ها واقعیتی را شکل می دهند که واقعیت نیست پس واقعیت مجاری است آنها تقلید از زندگی واقعی نیستند اما دارند واقعیت را شکل می دهند با دیالیتیک بودن و نبودن که در هملت مطرح بود و به صورت پدر شاه بر او ظاهر شد مواجهیم. امروزه هر کشوری از آن کسی است که ارتباطات را در دست دارد تخیل که به قول ارسطو بسیار حقیقت نامتر از واقعیت است سه فیلم آمریکایی که جدیداً عرضه شده هفت روز در مه ، دکتر استرنج لاو و سیستم ایمنی موضوع هر سه فیلم احتمال کودتای نظامی علیه دولت آمریکاست اما در هیچ یک از فیلمها نظامیان سعی نمی کردند که با خشونت نظامی بر کشور مسلط شوند بلکه می کوشیدند با در اختیار گرفتن رسانه این کار را انجام دهند. بر اساس گفته مک لوهان در برابر شبح شبکه ارتباطات کل دنیا گسترش می یابد. هر شهروند جهان به عضوی از پرولتاریایی جدید مبدل می شود ولی هیچ بیانیه انقلابی نخواهد توانست به این پرولتاریا پیام دهد که (پرولتراهای جهان متحد شوید) چرا که حتی اگر صاحب وسایل ارتباط جمعی ، به عنوان وسایل تولید ، عوض شود در وضعیت مردن تغییری ایجاد نمی شود جدی ترین منتقدان فرهنگ جمعی بر این عقیده اند که رسانه ها منتقل کننده ایدئولوژی نیستند بلکه خودشان یک ایدئولوژی هستند.

• در مقوله حمایت از روزنامه نگاران در ماموریت های خطرناک چه می توان نوشت؟

پاسخ: کمیته حمایت از روزنامه نگاران (CPJ) یک سازمان مستقل و غیر انتفاعی است که در سال ۱۹۸۱ در نیویورک آمریکا تأسیس شد. این کمیته با اعتقاد به اصل «لزوم مطبوعات آزاد برای رشد جوامع مدنی» از حقوق روزنامه نگاران سراسر جهان در راستای تهیه گزارش‌های مبتنی بر واقعیت، بدون هراس از تبعات انتشار آن، دفاع می‌کند. موسسان CPJ گروهی از خبرنگاران آمریکایی (در حوزه اخبار خارجی) بودند که نیاز به تشکیل چنین سازمانی را برای محافظت از روزنامه نگاران در مقابل حکومت‌های خودکامه، اقتدارگرا و دیگر دشمنان روزنامه نگاری مستقل بیش از سایرین درک کرده بودند.

اینان، سالها در کشورهای بحران زده و توسعه نیافته جهان به روزنامه نگاری مشغول بودند و فضای خفقان، سرکوب، تهدید و ارعاب را به خوبی می‌شناختند. پیوستن نام‌های بزرگ مطبوعاتی به پیکره مدیریتی کمیته، خیلی زود این نهاد مستقل و کوچک را به تشکیلاتی قدرتمند، با نفوذ و اثرگذار تبدیل کرد. امروز، کمیته حمایت از روزنامه نگاران با هیات مدیره‌ای متشکل از ۳۵ روزنامه نگار مطرح جهان، در بیش از ۱۲۰ کشور که اغلب از حکومت‌های فاسد، جنگ‌های داخلی و مطبوعات آسیب پذیر رنج می‌برند حضور و فعالیت دارد. این کمیته از قبول کمک‌های دولتی خودداری و هزینه‌های خود را از طریق تامین کنندگان مالی از جمله اشخاص حقیقی و حقوقی و موسسه‌های خیریه تامین می‌کند.

عملکرد سازمان:

عملکرد اجرایی CPJ برای حمایت از روزنامه نگاران را می‌توان در انتشار گزارش‌های علنی پیرامون سوء رفتارهای اعمال شده علیه روزنامه نگاران، هشدار و اطلاع رسانی به روزنامه نگاران و آژانس‌های خبری درباره مناطق پرخطر، بهره‌گیری از رهکارهای دیپلماتیک و مذاکره برای اصلاح وضعیت مطبوعات در کشورهای ناقض آزادی بیان و سرانجام برپایی تظاهرات اعتراض آمیز مردمی به نفع رسانه‌های مستقل و آزاد خلاصه کرد. این کمیته علاوه بر گزارش‌های ویژه خبری که به طور مستمر تهیه می‌کند، یک مجله گاهنامه‌ای (سالی دوبار) را با عنوان «ماموریت‌های خطرناک» (Dangerous Assignments) و یک گزارش سالانه را با عنوان «حملات علیه مطبوعات» (Attacks on the press) منتشر می‌کند که از جمله جامع‌ترین تحقیقات آماری جهان در حوزه آزادی مطبوعات به شمار می‌رود.

CPJ از طریق همکاران تمام وقتی که در آفریقا، آمریکا، آسیا، اروپا، آسیای میانه، خاورمیانه و شمال آفریقا نظارت بر وضعیت مطبوعات را بر عهده دارند، اطلاعات مورد نیاز برای تهیه گزارش‌های رسمی خود را دریافت می‌کند.

این افراد تحولات روزانه مطبوعات و رسانه‌ها را در حوزه‌های تحت پوشش خود پیگیری و اطلاعات مربوطه را از طریق تحقیقات شخصی، تماس‌های دست اول (تماس بدون واسطه با منبع اول خبر) و مراجعه به گزارش‌های دیگر روزنامه نگاران جمع‌آوری می‌کنند. به علاوه، کمیته CPJ از طریق سازمان بین‌المللی آزادی بیان (یک شبکه جهانی مبتنی بر پست الکترونیک) با دیگر نهادهای فعال در حوزه آزادی مطبوعات اشتراک اطلاعات دارد. تماس مستقیم روزنامه نگاران با کمیته، از دیگر راه‌هایی است که به افزایش اطلاعات کمیته کمک می‌کند.

در موارد اضطراری از جمله تهدید، بازداشت و زندانی شدن یک روزنامه نگار، خود او و یا دوستان و خانواده‌اش می‌توانند اطلاعات مفیدی را بدون واسطه به کمیته ارائه کنند که این کار از طریق مراجعه به وبگاه اینترنتی www.CPJ.org ممکن است. دایره تحقیقات کمیته حمایت از روزنامه نگاران سالانه صدها مدرک و سند مرتبط با حملات صورت گرفته علیه اهالی مطبوعات را طبقه بندی می‌کند. این اسناد تا لحظه‌ای که ارتباط بین آسیب‌های روزنامه نگاران (از قبیل

جراحت، بازداشت و یا مرگ) به اثبات نرسیده، غیر رسمی می‌مانند و تنها در صورتی رسمیت می‌یابند که ارتباط یاد شده اثبات و محرز شود.

شاخص‌ها:

بر این اساس، طبقه بندی اسناد به شرح زیر صورت می‌گیرد:

*روزنامه نگاران ربوده شده توسط گروه‌های متخاصم غیر دولتی

*روزنامه نگاران مورد حمله قرار گرفته (از قبیل ضرب و جرح، توهین، ضبط وسایل و غیره...)

*روزنامه نگارانی که مطالبشان مشمول سانسور شده

*روزنامه نگاران اخراج شده (شامل تبعید به خارج از کشور)

*روزنامه نگاران مورد مزاحمت قرار گرفته (شامل ممنوعیت دسترسی به منابع خبری و یا ایجاد مزاحمت برای اعضای خانواده، اخراج از کار و یا بازداشت روزنامه نگاران به مدت کمتر از ۴۸ ساعت)

*روزنامه نگاران زندانی شده (توسط دولت)

*روزنامه نگاران به قتل رسیده

*روزنامه نگارانی که با موانع قانونی رو به رو می‌شوند (از قبیل عدم صدور ویزا)

*روزنامه نگاران ناپدید شده (که هیچ گروهی مسوولیت ربودن آنها را بر عهده نمی‌گیرد)

*در نهایت روزنامه نگاران تهدید شده (فیزیکی یا روانی).

• عبارت شرافت حرفه ای روزنامه نگاران در مباحث مقررات جهانی را بررسی کنید.

پاسخ: ضرورت تأمین حق همگان برای دسترسی آزادانه به اطلاعات و بر خوررداری از آگاهی های صحیح و ضروری در باره رویدادها و افکار عمومی، برای آزادی مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی در جوامع معاصر، جایگاه برجسته ای پدید آورده و نقش اجتماعی روزنامه نگاران را بیش از پیش، مورد توجه قرار داده است.

به همین لحاظ، اهمیت حفظ و حراست آزادی مطبوعات و سایر رسانه ها و ایجاد شرایط مطلوب فعالیت روزنامه نگاران، ایجاب می کند که در فرایند جست و جو، جمع آوری، تهیه و تدوین اخبار و اطلاعات عینی مورد نیاز همگان و همچنین انتقال و انتشار آن ها، موانع و محدودیت وجود نداشته باشند و دست اندرکاران مطبوعات و سایر رسانه های عمومی بتوانند بر اساس آزادی های بنیادی عقیده و بیان و اطلاعات، که آزادی مطبوعات را هم در بر می گیرند و در قوانین اساسی و اسناد حقوقی بین المللی پیش بینی شده اند، وظایف حرفه ای خود را انجام دهند.

به بیان روشن تر، حق دسترسی آزادانه همگان به اطلاعات، از ضرورت شناخت شرایط محیط زندگی، برای رفع نیازهای اجتماعی و نگرهبانی از مصالح و منافع عمومی، سرچشمه گرفته است و تحقق آن، مستلزم آن است که امکانات تأسیس و فعالیت آزاد مطبوعات و سایر رسانه ها، تأمین و تضمین شوند. به همین جهت با توجه به آن که آزادی مطبوعات و حق همگان برای برخورداری از اطلاعات، با تدارک اخبار و گزارشهای مورد انتقال و انتشار، به وسیله نشریات دوره ای و رسانه های دیگر واز طریق روزنامه نگاران حرفه ای تحقق می یابند، وظیفه اصلی روزنامه نگاران آن است که اطلاعات صحیح، جامع و کامل در مورد تمام موضوع ها و مسائل مربوط به نیازهای اجتماعی و منافع و مصالح عمومی را، در اختیار مردم بگذارند و به عبارت دیگر، موظفند تمام اطلاعاتی را که شهروندان برای مشارکت فعال در زندگی یک جامعه مردم سالار به آن ها نیاز دارند، آماده سازند و به آنان عرضه کنند.

بنابراین رسالت، روزنامه نگاران، برای آگاهی دهی درباره وقایع و مسائل زندگی جمعی و بازتاب تعامل عقلایی افکار و عقاید همگانی و تشریح و تفسیر و نقد آنها، بر حق دسترسی آزادانه همگان به اطلاعات و بر مبنای آن، بر آزادی مطبوعات و سایر رسانه ها، استوار است.

در عین حال، آزادی روزنامه نگاران برای دستیابی به اخبار و اطلاعات و انتقال و انتشار آنها، ضرورتاً دارای محدودیتهایی است که باید نسبت به رعایت آن ها، متعهد و مسئول باشند. پیش بینی وظایف و مسئولیت های اجتماعی روزنامه نگاران در قوانین و مقررات حقوقی و مجموعه های اصول و معیارهای اخلاقی حرفه ای روزنامه نگاری، به همین منظور، صورت می گیرد. اما در کار پراهمیت روزنامه نگاران، تحقق وظایف و مسئولیت های اجتماعی آنان در صورتی امکان پذیر است که شرایط استقلال و شرافت حرفه ای آنها تأمین شده باشند و به این منظور، توجه به حقوق و امتیازهای معنوی و اجتماعی روزنامه نگاران نیز ضروری است.

بخش یکم: وظایف و مسئولیت های روزنامه نگار

۱- روزنامه نگار برای کسب آگاهی در مورد وقایع و مسائل اجتماعی و تشریح و تحلیل و نقد و تفسیر آزادانه آنها، بر مبنای حق همگان برای شناخت حقایق، باید به واقعیت های عینی توجه کند و اخبار و اطلاعات صحیح و دقیق و مقاله ها و تفسیرهای منطقی و منصفانه در اختیار خوانندگان بگذارد.

۲- در کارروزنامه نگاری، خبر باید به منزله یک خدمت اجتماعی و نه یک کالای بازرگانی، نگریسته شود. به همین جهت، روزنامه نگار در انجام وظایف حرفه ای خویش نه تنها در برابر صاحبان و مدیران مطبوعات، بلکه در مقابل جمع وسیع خوانندگان و منافع و مصالح عمومی جامعه نیز مسئولیت دارد و این مسئولیت اجتماعی ایجاب می کند که در شرایط و اوضاع واحوال مختلف، همیشه بر اساس وجدان اخلاقی خاص خود عمل نماید.

۳- روزنامه نگار باید به صحت عمل حرفه ای خویش توجه ویژه داشته باشد و تنها اخبار و اطلاعاتی را که منشاء و منبع آنها مشخص است، منتشر کند و در صورت لزوم قید رعایت احتیاط نسبت به صحت آنها را نیز یادآور شود.

۴- سرقت ادبی، مخدوش ساختن متنها و سندها و حذف اطلاعات اساسی مربوط به رویدادها، باید در کار روزنامه نگاری همیشه مذموم و مطرود باشد و برای بدست آوردن اخبار و اسناد و عکسها، شیوه های نادرست و غیرقانونی، بکار گرفته نشوند.

۵- روزنامه نگار وظیفه دارد، زمان دقیق انتشار اخبار و گزارش ها یا تفسیرها و مقاله هایی را که طبق تصمیم دست اندر کاران و افراد ذی نفع آنها باید در ساعتها یا روزهای آینده منتشر شوند، رعایت کند و از چاپ و پخش پیش از موقع آن ها، پرهیز نماید.

۶- شرافت حرفه ای روزنامه نگار ایجاب می کند که از پذیرش هر گونه پاداش مادی غیر قانونی و نامشروع، برای پیشبرد مقاصد خصوصی مغایر با منافع و مصالح عمومی، خودداری کند.

۷- روزنامه موظف است شغل روزنامه نگاری را با کار بازرگانی یا فعالیت تبلیغ سیاسی، به هم نیامیزد و از آگهی دهندگان، هیچ دستور و پاداش مستقیم یا غیرمستقیمی نپذیرد.

۸- آزادی و استقلال حرفه روزنامه نگاری مستلزم آن است که روزنامه نگار از قبول هر گونه فشار و تهدید برای انتشار یا عدم انتشار مطالب و یا تغییر محتویات آنها، خودداری کند و همیشه از خط مشی عمومی هیأت تحریریه و اصول شرافت حرفه ای خویش، تبعیت نماید.

۹- روزنامه نگار باید کمک به برخورداری همگان از اخبار و اطلاعات صحیح و مؤثر، هر مطلب منتشر شده ای را که نادرستی آن مشخص می شود، تصحیح کند و به حق جواب خوانندگان و افراد ذی نفع در مورد مندرجات و محتویات نشریات و سایر رسانه ها، احترام بگذارد.

۱۰- احترام به استقلال و حاکمیت ملی، نظم و امنیت عمومی و همچنین آسایش، سلامت و آرامش روانی جامعه و دفاع از منافع و مصالح همگانی و حراست نهادهای قانونی حکومت مردمی، از وظایف اجتماعی مهم روزنامه نگار بشمار می روند.

۱۱- روزنامه نگار باید به اصول دینی و معتقدات مذهبی، آداب و سنن قومی و ملی، مبانی اخلاق حسنه و عفت عمومی، همیشه احترام بگذارد و از هر گونه گرایش به تبعیض جنسیتی، نژادی، عقیدتی و قومی و تبلیغ خصومت آمیز در این زمینه ها و همچنین تشویق و تحریک به جنگ تجاوز کارانه و توسعه طلبانه نسبت به کشورهای دیگر، خودداری کند.

۱۲- کوشش در راه حفظ صلح و آرامش بین المللی و همزیستی مسالمت آمیز ملتها، مقابله با گسترش وسایل و ادوات کشتار جمعی، مانند سلاح های هسته ای و شیمیایی و میکروبی، جلوگیری از آلودگی محیط زیست و مبارزه علیه سلطه فرهنگی و ارتباطی جهانی از رسالت های مهم روزنامه نگاری است.

۱۳- روزنامه نگار باید برای پاسداشت ارزشهای جهانی بشریت و از جمله اصول دموکراسی، حقوق بشر، آزادی های بنیادی، حق توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی کشورها و پشتیبانی از جنبشهای آزادی بخش و همچنین گوناگونی زبان ها و فرهنگ ها، احترام خاص قائل شود و برای تنش زدایی در روابط منطقه ای و بین المللی و کمک به گفت و گوی فرهنگها و تمدنهای، از هیچ کوششی دریغ نرزد.

۱۴- احترام به حیثیت شخصی و حریم خصوصی افراد، خودداری از توهین و تهمت و افترا نسبت به اشخاص، حمایت خاص از حقوق زنان، کودکان و نوجوانان و جلب کمک به سالمندان و بیماران و نیازمندان از وظایف مهم روزنامه نگاران محسوب می شوند.

۱۵- روزنامه نگار موظف است که ضمن دفاع از آزادی خبر و تفسیر و انتقاد، اسرار حرفه ای خود را حفظ کند و از افشای اطلاعات و اخباری که به صورت محرمانه به دست می آورد، به جز مواردی که با حکم دادگاه مشخص می شوند، خودداری نماید.

بخش دوم: حقوق و امتیازهای روزنامه نگار

۱- روزنامه نگار با توجه به رسالت اجتماعی خود باید از حق دستیابی آزادانه به همه منابع خبری و آزادی انجام بررسی ها و تحقیق های ضروری درباره تمام رویدادهای زندگی عمومی، برخوردار باشد. بنابراین محرمانه بودن امور عمومی یا خصوصی، جز موارد استثنایی مشخص شده از طریق قوانین و مقررات ملی، نمی تواند در برابر وی مطرح شود.

۲- اصل استقلال عمل تحریریه مطبوعات و سایر رسانه های همگانی، از امتیازهای معنوی مهم روزنامه نگاری است و هیچ نوع فشار و اجبار درون سازمانی (از سوی صاحبان و مدیران) یا برون سازمانی (از سوی مقامات دولتی و موسسات اقتصادی)، برای اثرگذاری بر چگونگی مندرجات و محتویات آنها قابل قبول نیست.

۳- روزنامه نگار حق دارد در انجام کار حرفه ای خویش از پیروی هر شیوه ای که با خط مشی رسمی نشریه یا رسانه دیگر محل کار او پیش بینی شده با پیمان جمعی کار حرفه ای وی، مغایرت داشته باشد، خودداری کند.

۴- روزنامه نگار را نمی توان مجبور کرد که بر خلاف اعتقاد و وجدان خود، به اقدامی حرفه ای دست بزند و عقیده ای ابراز دارد. به همین لحاظ، اعمال هرگونه فشار حرفه ای و سیاسی در مورد چگونگی فعالیت وی، ممنوع است.

۵- "قید وجدانی" حرفه روزنامه نگاری، که در قوانین و مقررات مربوط به استقلال این حرفه و یا در اصول اخلاقی آن پیش بینی می شود، مستلزم آن است که بتواند در صورت تعطیل، واگذاری یا فروش موسسه مطبوعاتی یا رسانه ای محل کار خود و یا تغییر خط مشی آن، به صورتی که به شرافت حرفه ای یا حیثیت اجتماعی او لطمه وارد کند، استعفاء دهد و غرامت دریافت نماید.

۶- استقلال عمل هیأت تحریریه مطبوعات یا رسانه های همگانی دیگر ایجاب می کند که از هر گونه تصمیم مهمی که زندگی موسسه مطبوعاتی یا رسانه ای محل کار آن را تحت تاثیر قرار می دهد، مطلع شود. این هیأت پیش از تصمیم نهایی راجع به هر اقدام مربوط به ترکیب اعضای تحریریه- استخدام، اخراج، انتقال و ارتقای روزنامه نگاران- مورد مشورت قرار می گیرد.

۷- مشارکت روزنامه نگاران در مالکیت و مدیریت موسسات مطبوعاتی و رسانه ای و موافقت آنان برای انتخاب مسوولان و مدیران تحریریه، که در بسیاری از کشورهای جهان اعمال می شود، از لوازم مهم و ضروری استقلال حرفه روزنامه نگاری به شمار می آید.

۸- روزنامه نگار با توجه به نقشها و مسئولیت های اجتماعی خود، نه تنها حق استفاده از پیمان جمعی کار روزنامه نگاری، بلکه حق برخورداری از قرارداد شخصی تضمین کننده تامین مادی و معنوی کار حرفه ای و نیز دریافت دستمزد مناسب و منطبق با نقش اجتماعی خویش در جهت حفظ استقلال اقتصادی خود را داراست.

۹- آزادی روزنامه نگاران برای تاسیس انجمنها و اتحادیه های حرفه ای، مشارکت آزادانه در فعالیت های این تشکل ها و برخورداری از حمایت های صنفی آن ها، که در جهت تامین و تضمین حقوق مادی و معنوی حرفه روزنامه نگاری صورت می گیرد، از حقوق مسلم اعضای این حرفه شناخته می شود.

۱۰- تشکیل نهاد مستقل نظارت بر صدور کارت هويت حرفه ای روزنامه نگاران، به منظور تعیین سلسله مراتب شغلی و مسئولیت ها و مقام های تحریریه ای آنان که با همکاری انجمن ها و اتحادیه های روزنامه نگاری از یک سو و سازمان های صنفی صاحبان و مدیران موسسات مطبوعاتی و رسانه ای از سوی دیگر، اداره می شود از حقوق مهم روزنامه نگاران محسوب می شود.

۱۱- کمک موسسات مطبوعاتی و موسسات رسانه ای دیگر به آموزش تخصصی روزنامه نگاران و شرکت دادن منظم و پیاپی آنان در دوره های بازآموزی حرفه ای، که معمولاً در پیمانهای جمعی کار اعضای هیات تحریریه هم پیش بینی می شود، باید برای پیشرفت سطح کیفی فعالیت روزنامه نگاران، مورد حمایت قرار گیرد.

۱۲- حمایت از حقوق آفرینندگی فکری روزنامه نگاران، که معمولاً در قوانین موضوعه مربوط به حقوق مولف و مالکیت معنوی و در پیمان های جمعی کار حرفه روزنامه نگاری نیز بر آن تاکید می گردد، باید در تامین و تضمین حقوق مادی و معنوی آنان در این زمینه، طرف توجه خاص واقع شود.

۱۳- ارج گذاری به مشارکت زنان در کار حرفه ای روزنامه نگاری، مقابله با هرگونه تبعیض در استخدام و ارتقای شغلی روزنامه نگاران زن، تشویق و گسترش همکاری آنان، با هیات های تحریریه مطبوعات و سایر رسانه ها به تقویت استقلال این حرفه کمک می کند.

۱۴- برای تامین و حفظ آزادی و استقلال حرفه روزنامه نگاری، حمایت حقوقی از امنیت و آسایش شغلی روزنامه نگاران و جلوگیری از تهدید جسمی و جانی آنان، از طریق قوانین ملی و مقررات حقوقی منطقه ای و بین المللی، اهمیت فراوان دارد.

۱۵- اصول مندرج در این میثاق از منابع عمده تصمیم گیری عالی رسانه ها و رسیدگی به تخلفات اخلاقی و حرفه ای روزنامه نگاری است.

۱۶- این میثاق به تایید اعضای حرفه روزنامه نگاری و نهادهای حرفه ای و صنفی آنها می رسد و شورای عالی رسانه ها مسئول نظارت بر اجرای آن است.

• با یک مثال جهانی وضعیت روزنامه های زرد را در عرصه ارتباطات توضیح دهید.

روند تولد نشریات زرد در دهه ی ۱۸۹۰م. و در نیویورک آغاز شد؛ شاید بتوان گفت اصلی ترین نشریه ای که بنیان روزنامه نگاری زرد را از نظر جذب مخاطب (نه محتوای آن) پایه ریزی کرد، نیویورک سان (New York Sun) بود که در سال ۱۸۸۳م. متولد شد و با قیمت «یک پنی» به فروش می رسید که این خود یکی از مهم ترین رازهای جذب طبقه ی پرجمعیت کارگر و متوسط به روزنامه خوانی بود، ضمن این که نیویورک سان بنیان گذار دوره ای از نشریات است که در غرب به آن ها نشریات یک پنی (penny press) گفته می شود.

نشریات یک پنی هم تقریباً مانند روزنامه نگاری زرد به میدان وارد شدند. این نشریات تیتراهای بسیار درشتی داشتند، چراکه شاید در آن مقطع فکر می کردند حتی یک پنی هم برای خرید نشریات زیاد است؛ بنابراین آن ها را روی دیوارهای شهر

نصب می‌کردند تا رهگذران بتوانند تیترها را راحت بخوانند. اما در سال ۱۸۹۶م. «ژوزف پولیتزر» نیز نشریه‌ای به نام (New York World) منتشر می‌کرد که با هر شیوه‌ای تلاش می‌کرد تعداد مخاطبانش را بالا برده و تیراژش را افزایش دهد و طبعاً در این ابزارها مواردی مانند خشونت حرف اول را می‌زد.

در همین دوران «ویلیام راندولف هرست» - چهره‌ی با نفوذ روزنامه‌نگاری آمریکا که فیلم «همشهری کین» را از روی شخصیت او ساخته‌اند- هم مشغول انتشار نشریه‌ای به نام نیویورک مورنینگ ژورنال (New York Morning Journal) بود که این نشریه با نشریه‌ی پولیتزر در رقابت بود. جنگ تیراژ میان این دو رسانه و اشتیاق برای جلب مخاطب باعث گردید، پولیتزر در این میان با خلق شخصیتی کارتونی به نام «Yellow Kid» (بچه زرد)، سلسله ماجراهایی را در نشریه‌ی خود آغاز کند که بسیار مورد توجه مردم قرار گرفت.

پس از ظهور این شخصیت در نشریه‌ی پولیتزر، هرست هم بلافاصله به یک کاریکاتوریست سفارش یک شخصیت مشابه را داد و ضمیمه‌های رنگی و عکس‌های بزرگ و تیتروهای درشت، ابزار این مبارزه شدند؛ بدین ترتیب پدیده‌ی بچه‌ی زرد متولد شد و مظهر درگیری این دو روزنامه و سپس نماد روزنامه‌نگاری جنجالی گردید.

«ویلیام هرست»، وقتی دریافت که «مرکوری»، مؤسسه‌ی سازنده‌ی فیلم «همشهری کین» حاضر نیست پیشنهاد دریافت پول کلانی را که به منظور نابود کردن نسخه‌ی اصلی و نسخه‌های دیگر این فیلم از سوی وی شده بود را قبول کند، ستون نویس جنجالی خود «لولا پاسونز» را واداشت تا تلفنی مدیران تولید و مدیران پخش فیلم را با افشای زندگی خصوصی آنها تهدید کند.

تلاش او برای راه انداختن جنگی میان آمریکا و اسپانیا بر سر جزیره‌ی کوبا و با استفاده از تیتروهای پر هیجان و جنجالی در نیویورک ژورنال، نمونه‌ای از روزنامه‌نگاری زرد است. هرست بر این گفته تعصب می‌ورزید که روزنامه نباید تنها پیام رسان باشد، بلکه باید جریان ساز هم باشد.

دکتر پیمان جبلی، معتقد است که ریشه‌ی ژورنالیسم زرد به دو عامل «رقابت با رسانه‌های نوظهور» (مجله‌ها و رسانه‌های صوتی و تصویری) و همچنین «جذب مخاطبین برای درآمد بیشتر» باز می‌گردد که نتیجه‌ی این دو، زیر پا گذاشتن اخلاق حرفه‌ای رسانه‌ای است. او نقش عامل نخست را چنین شرح می‌دهد: «علت تولد روزنامه‌نگاری جنجالی بیش‌تر به دو عامل جدی بر می‌گردد. یکی از این عوامل، ظهور رسانه‌ی جدیدی به نام «رادیو» بود و بعد هم رسانه‌ی «تلویزیون» یک عامل دیگر هم ظهور شکل جدیدی از روزنامه‌نگاری بود که ما امروز به عنوان مجله می‌شناسیم. حداکثر تیراژ روزنامه در بهترین شکل، ممکن است به ۵۰۰ هزار نسخه برسد، این حداقل مخاطبین رادیو در همان زمان است.

روزنامه‌نگاری زرد در ایران

در ایران نیز می‌توان نمونه‌هایی از کاربرد روزنامه‌نگاری زرد را شاهد بود. با این تفاوت که گاهی می‌بایست عریف روزنامه‌نگاری زرد و به خصوص جنجالی را به موضوعات سیاسی هم بسط داد. دکتر جبلی در این باره می‌گوید:

«اگر هدف از روزنامه‌نگاری زرد یا رسالت روزنامه‌نگاری زرد، جذب درآمد و مخاطب بیشتر به هر قیمتی باشد، بنابراین هر زمان که عطش اطلاع‌رسانی در جامعه افزایش یابد، باید منتظر ظهور روزنامه‌نگاری زرد هم باشیم.»

او می‌افزاید: «اگر بخواهیم تعریف روزنامه‌نگاری جنجالی را گسترش دهیم، می‌تواند شامل ژورنالیسم حزبی، ژورنالیسم حکومتی یا ژورنالیسم ایدئولوژیک باشد. اما هر کدام ملاحظه‌های خاص خودش را دارد... شاید نتوانیم روی ژورنالیسم حزبی و جناحی اسم روزنامه‌نگاری زرد بگذاریم، اما به طور قطع می‌توانیم اسم دیگری برای آن پیدا کنیم. اما آن هم به نوعی دارد از اصول ژورنالیسم زرد تبعیت می‌کند. یعنی جذب مخاطب در راستای اهداف حزبی به هر قیمتی که شده است. هر دو در یک نقطه مشترک‌اند: زیر پا گذاشتن اخلاق حرفه‌ای رسانه‌ای.»

بر همین اساس او مطبوعات ایران در شرایط عطش اجتماعی برای اطلاعات را به سه دسته تقسیم می‌کند که شامل دسته‌بندی جدیدی از روزنامه‌های جنجالی و زرد هم می‌شود:

۱. رسانه‌هایی که هدف خودشان را گم نمی‌کنند و به دنبال آرایه‌ی بهترین و صحیح‌ترین اطلاعات به مخاطب هستند.
 ۲. رسانه‌هایی که از فضای جدید سوء استفاده می‌کنند و موج حرکت مردم به سمت رسانه‌ها را دست‌آویز درآمدزایی و پر کردن جیب خودشان قرار می‌دهند.
 ۳. رسانه‌هایی که با اهداف سیاسی، گروهی و حزبی به دنبال استفاده از فضا هستند تا روی موج سوار شوند و آن را به سمتی که خودشان می‌خواهند، بکشانند.
- می‌توان گفت که روزنامه‌نگاری جنجالی و زرد در چند مقطع در ایران اوج گرفته است:

۱. انقلاب مشروطه تا ظهور دیکتاتوری رضاخانی: از روزنامه‌نگاری رادیکال تقلیدی چپ و راست تا عوام‌فریبی «سید ضیاء‌الدین طباطبایی».
۲. شهریور ۱۳۲۰ تا مرداد ۱۳۳۲ (دوران پس از اشغال ایران توسط متفقین تا سرکوب نهضت ملی شدن صنعت نفت و تعطیلی روزنامه‌های گروه‌ها و احزاب غیر دولتی) ظهور توأمان روزنامه‌نگاری عوام‌پسند و روزنامه‌نگاری رادیکال عوام‌فریب.
۳. از کودتای ۲۸ مرداد تا پیروزی انقلاب اسلامی: ظهور روزنامه‌نگاری زرد بخش خصوصی در دهه‌ی ۵۰ شمسی از دل روزنامه‌نگاری عوام‌پسند دولتی دهه‌ی ۴۰. پس از کودتای ۲۸ مرداد، اختناق بالا گرفت و تنها روزنامه‌های دولتی و یا مورد

تأیید دولت همچون «اطلاعات» و «کیهان» فعالیت خود را ادامه دادند که البته عوام را هم مد نظر داشتند، به عنوان مثال مصاحبه با چهره‌های روز بازیگری و خوانندگی تا جایی که اطلاعات اولین مصاحبه‌ها را با خواننده‌ها و بازیگران تازه مطرح شده، انجام می‌داد. ماجرای نایاب شدن روزنامه‌ی اطلاعات به خاطر چاپ مصاحبه‌ای با «حمیرا» پس از اولین اجرایش در برنامه‌ی گل‌ها، معروف است.

۴. دی ماه ۱۳۵۷ تا تیر ماه ۱۳۶۰ (ظهور مجدد رادیکالیسم عوام فریبانه‌ی احزاب چپ و ملی به سبک دوران ملی شدن صنعت نفت)

۵. دوم خرداد ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ (از پیروزی اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست جمهوری نهم تا توقیف نشریات زنجیره‌ای): ظهور رادیکالیسم سیاسی و موج جدید ژورنالیسم جنجالی در مطبوعات به بهانه‌ی آزادی بیان در فضای اصلاحات.

۶ از ۱۳۷۹ تاکنون: ظهور ژورنالیسم غیرسیاسی عامه‌پسندانه و زرد در مقابل روزنامه‌نگاری متعهد و انقلابی.

مهم‌ترین ایراد وارد بر روزنامه‌نگاری زرد این بوده که جذب مخاطب و دنبال آن کسب درآمد بیش‌تر، اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری را تحت الشعاع خود قرار داده است. دکتر جبلی در این باره می‌گوید: «تا قبل از این، اخلاق روزنامه‌نگاری در درجه‌ی اول اهمیت بود و حرفه‌ی روزنامه‌نگاری یک حرفه‌ی شریف محسوب می‌شد و با دروغ، تهمت و ورود به حریم خصوصی افراد تعارض داشت. اما با روزنامه‌نگاری زرد این حرمت‌ها شکسته شد و این حریم‌ها زیر پا گذاشته شد.

شعار روزنامه‌نگاری زرد این است: «مخاطب را باید جذب کرد، به هر قیمتی که شده است.» در صورتی که هیچ وقت شعار روزنامه‌نگاری اصیل و حرفه‌ای این نیست. شعار روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و اصیل این است که «حقایق را باید کشف کرد و حرمت جامعه و فرد را نگه داشت.» یعنی چه در تئوری‌های هنجاری لیبرالی رسانه‌ای و چه در تئوری‌هایی که بعدها به تئوری مسؤولیت اجتماعی تبدیل شد، قائل به شکست حرمت اخلاق یا افراد در جامعه نبوده‌اند. [۱۲]

شاید یکی از تفاوت‌های اصلی بین روزنامه‌نگاری زرد امروز در غرب و نوع مشابه آن در ایران این است که مطالب آن‌ها کاربردی است. به طور مثال هنگامی که رویدادهای حادثه‌ای مثل سرقت در آن‌ها درج می‌شود، غالباً راهکارهای سوزاندن، شگردهای آن سرقت را هم عرضه می‌کنند. راه‌های ایمن‌سازی در برابر حادثه‌های مشابه را هم توصیه می‌کنند و یا توصیه‌ها و پیشنهادهای پلیس را هم ضمیمه می‌کنند.

تجارب مشابهی که در گذشته رخ داده است را هم به عنوان پیشینه‌ی موضوع به شما ارایه می‌دهند. یعنی در یک ساخت ژورنالیستی‌تر و متکی بر آموزش، گام بر می‌دارند که در نشریات زرد داخلی این عنصر دیده نمی‌شود. نکته‌ی دیگر آن که، معمولاً بین آگهی‌های نشریات زرد خارجی و مطالب آن‌ها یک نوع هماهنگی وجود دارد.

«یونس شکرخواه»، استاد ارتباطات نیز در زمینه‌ی رعایت اخلاق حرفه‌ای در کار نشریات زرد می‌گوید: «تفاوت اصلی بین روزنامه‌نگاری زرد در غرب و آن چه در ایران وجود دارد، این است که مطالب نشریات زرد در غرب کاربردی است، یعنی اگر خبرهای مربوط به سرقت در آن‌ها درج می‌شود، راهکارهای سوزاندن شگردهای آن سرقت را هم عرضه می‌کند و راه‌های ایمن‌سازی در برابر حوادث مشابه را هم توصیه می‌کند یا توصیه‌های پلیس را ضمیمه می‌نماید.»

فصل پنجم

در این فصل می خوانید:

- * اتحادیه پست جهانی
- * آشنایی با تاریخچه سازمان ملل متحد
- * وظایف سازمان ملل متحد
- * ارکان ملل متحد

• درباره اتحادیه جهانی پست چه می دانید؟

پاسخ: اتحادیه جهانی پست (به انگلیسی: Universal Postal Union یا UPU) نخستین انجمن در جهت همکاری بین کارکنان بخش پست و از مؤسسات تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد است. اتحادیه جهانی پست با تصویب معاهده برن در سال ۱۸۷۴ تأسیس شد. اتحادیه جهانی پست از نظر قدمت و سابقه دومین سازمان بین‌المللی جهانی محسوب می‌شود.

در ۱۸۷۸ عنوان اتحادیه عمومی پست‌ها (به انگلیسی: General Postal Union یا GPU) تبدیل به اتحادیه جهانی پست شد. هدف این اتحادیه کمک به سازماندهی و بهبود بخشیدن خدمات پستی در سطح بین‌المللی است. در حال حاضر ۱۹۲ کشور عضو این سازمان هستند. تاکنون سند تأسیس اتحادیه در سال‌های ۱۹۶۹ در کنگره پستی جهانی توکیو، ۱۹۷۴ کنگره پستی جهانی لوزان، ۱۹۸۴ کنگره پستی جهانی هامبورگ، ۱۹۸۹ واشنگتن، ۱۹۹۴ سئول، ۱۹۹۹ پکن و ۲۰۰۴ بخارست به دلیل تطابق با تحولات فنی مورد بازنگری قرار گرفته‌است. مقر اصلی اتحادیه در برن، سوئیس است.

تاریخچه:

در طول قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی مبادلات مرسولات پستی از طریق قراردادهای دوجانبه، بین کشورها صورت می‌گرفت. این روند در قرن ۱۹ میلادی به علت روند رو به توسعه تجارت و بازرگانی بین‌المللی چندان کارآمد نبود و نیاز به تأسیس یک سرویس خدمات پستی جهانی به شدت احساس می‌شد. از سوی دیگر اصلاحات ملی و داخلی کشورها بر عملیاتی شدن تأسیس این اتحادیه تأثیر فراوانی گذاشت. در انگلستان رولند هیل توانست سیستمی را در پست راه بیندازد که به وسیله آن مخارج حمل مرسولات پستی باید از پیش پرداخته می‌شد. در ۱۸۶۳ در ادامه روند اصلاحات مونته‌گمری بلیر، رئیس اداره پست ایالات متحده آمریکا کنفرانسی را با دعوت از نمایندگان ۱۵ کشور اروپایی و آمریکایی در پاریس ترتیب داد. کشورهای شرکت‌کننده در این کنفرانس حیطه اختیاراتشان بسیار محدود بود و به دلیل عدم وجود یک سازمان بین‌المللی پستی صرفاً توانستند چند اصول کلی و عمومی، راجع به موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرویس‌های پستی وضع کنند.

هاینریش ون استفان، مدیرکل پست کنفدراسیون آلمان شرقی توانست طرح اتحادیه جهانی پست را تنظیم کند. بر اساس طرح پیشنهادی او نمایندگان ۲۲ کشور در اولین کنگره پستی جهان که از سوی دولت سوئیس تشکیل شده بود، گرد هم آمدند. در ۹ اکتبر ۱۸۷۴ بر اساس معاهده برن، اتحادیه عمومی پست‌ها تأسیس شد. اعضای این اتحادیه در طول ۳ سال به شدت افزایش یافت و به همین دلیل در ۱۸۷۸ عنوان اتحادیه عمومی پست‌ها به اتحادیه جهانی پست تغییر نام یافت. پس از تأسیس سازمان ملل متحد در ۱۹۸۴ به عنوان یکی از مؤسسات تخصصی وابسته به سازمان ملل مطرح شد. ۹ اکتبر

۱۸۷۸، سال روز تأسیس اتحادیه جهانی پست هر سال گرامی داشته می‌شود. این روز به طور رسمی توسط قطعنامه مصوب کنگره توکیو، ۱۹۶۹ به عنوان روز جهانی پست نام‌گذاری شد.

عضویت:

هر یک از دولت‌های عضو سازمان ملل متحد می‌توانند عضو اتحادیه جهانی پست شوند. هر کشوری که در سازمان ملل متحد عضویت ندارد، می‌تواند درخواست عضویت دهد و در صورتیکه حداقل ۳/۴ اعضای اتحادیه موافق باشند، به عضویت پذیرفته می‌شود. هم‌اکنون اتحادیه ۱۹۲ عضو دارد.

اهداف:

- * سازمان‌دهی و کامل نمودن خدمات پستی؛
- * ارتقا و توسعه همکاری‌های بین‌المللی؛
- * ارائه کمک‌های فنی و نظرهای مشورتی به کشورهای نیازمند عضو اتحادیه؛
- * ایفا کردن نقش رابط و میانجی‌گر بین اعضا؛
- * تنظیم و تصویب قوانین برای تبادلات پستی بین‌المللی؛
- * ارائه توصیه‌هایی در جهت برانگیختن سطح رشد در مراسلات و امانات پستی و بهبود کیفیت این خدمات برای مشتریان.

ساختار:

اتحادیه جهانی پست از ۴ رکن اصلی تشکیل شده‌است:

کنگره: کنگره رکن اصلی و عالی اتحادیه جهانی پست است. هر ۴ سال یک‌بار، تمامی دولت‌های عضو اتحادیه در کنگره جمع می‌شوند تا در خصوص برنامه‌های آینده اتحادیه جهانی پست و تجدیدنظر در اسناد آن، که شامل سند مؤسس، کنوانسیون‌ها و قراردادهای مراسلات پستی است، تصمیمات جدیدی اخذ نمایند.

شورای اجرایی: شورای اجرایی (CA) مرکب از ۴۰ کشور عضو است و سالی یک‌بار در مقر اتحادیه، برن تشکیل جلسه می‌دهد. شورای اجرایی در فواصل تشکیل کنگره‌ها مسئولیت نظارت بر اجرای قوانین اتحادیه و مصوبات کنگره و استمرار کارها را برعهده دارد. همچنین شورای اجرایی مسئول ارتقا و تعدیل تمامی جنبه‌های کمک‌های فنی پستی، ما بین تمامی دولت‌های عضو اتحادیه‌است.

شورای بهره‌برداری پستی: شورای بهره‌برداری پستی (POC) از ۴۰ دولت عضو تشکیل شده‌است و سالی یک‌بار در برن تشکیل جلسه می‌دهد. شورای بهره‌برداری پستی، رکن فنی و عملیاتی اتحادیه‌است. این شورا همچنین مسائل فنی، اقتصادی و تجاری مربوط به امور پستی را بررسی می‌کند.

دفتر بین‌المللی: دفتر بین‌المللی (IB) اتحادیه در برن، سوئیس واقع است. نزدیک به ۲۵۰ کارمند از بیش از ۵۰ کشور در دفتر بین‌المللی اتحادیه کار می‌کنند. دفتر بین‌المللی به عنوان یک نهاد ارتباطی، اطلاعاتی، مشورتی و ارتقادهنده همکاری‌های فنی بین ادارات پستی در اتحادیه عمل می‌کند. این رکن نقش دبیرخانه اتحادیه را هم بر عهده دارد. اتحادیه جهانی پست علاوه بر این دفتر بین‌المللی، دفترهای مرکزی دیگری هم در نقاط مختلف جهان تأسیس کرده‌است تا بتواند هماهنگی‌های بین‌المللی بیشتر را در زمینه خدمات پستی جهانی ارائه نماید.

زبان‌ها:

زبان رسمی اتحادیه جهانی پست، زبان فرانسه است. زبان انگلیسی به عنوان زبان کاری اتحادیه در سال ۱۹۹۴ پذیرفته شد. اکثر اسناد و موارد انتشاراتی اتحادیه، نظیر محصولات پستی بین‌المللی به زبان‌های رسمی سازمان ملل متحد، چینی، انگلیسی، عربی، فرانسوی، اسپانیایی و پرتغالی هم ارائه می‌شود.

بودجه:

از ۱۹۹۲ تاکنون اتحادیه جهانی پست رویه رشد صفر درصدی را اتخاذ کرده‌است. اتحادیه بودجه سالانه خود را در سطح یا زیر سطح تورم نگاه داشته‌است. این سازمان با بودجه‌ای در حدود ۳۷ میلیون فرانک سوئیس (حدود ۳۰/۴ میلیون دلار)، کم‌ترین میزان بودجه را در بین مؤسسات تخصصی وابسته به ملل متحد دارا است.

• در مورد پیدایش سازمان ملل متحد چه می‌دانید؟

پاسخ: سازمان ملل متحد سازمانی بین‌المللی است که در سال ۱۹۴۵ میلادی تأسیس و جایگزین جامعه ملل شد. این سازمان توسط ۵۱ کشور تأسیس و در سال ۲۰۱۱ میلادی، ۱۹۳ کشور عضو داشته‌است. اعضای آن تقریباً شامل همه کشورهای مستقلی می‌شود که از نظر بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند. فقط واتیکان، که عضویت در سازمان را نپذیرفته‌است و چین ملی (تایوان) که عضویتش بعد از عضویت جمهوری خلق چین لغو شد، در سازمان ملل متحد عضو نیستند. مقر سازمان ملل متحد در نیویورک است و کشورهای عضو و موسسات وابسته در طول هر سال با تشکیل جلسات منظم در مورد امور بین‌المللی و امور اجرایی مربوط به آنها تصمیم‌گیری می‌کنند.

سازمان ملل در پایان جنگ جهانی دوم و از سوی کشورهای پیروز در آن جنگ شکل گرفت و سازمان و روال حاکم بر فعالیت آن نشان از شرایط جهانی بعد از جنگ دوم دارد. شورای امنیت قوی‌ترین نهاد سازمان ملل پنج عضو دائمی دارد که در تصمیمات این شورا حق وتو دارند.

تاریخچه:

اصطلاح «ملل متحد» را نخستین بار فرانکلین روزولت، رئیس‌جمهور آمریکا در جریان جنگ جهانی دوم برای اشاره به متفقین بکار برد. اولین کاربرد رسمی این اصطلاح در بیانیه اول ژانویه ۱۹۴۲ ملل متحد بود که در آن متفقین از مفاد منشور آتلانتیک پشتیبانی و اعلام کرده‌بودند که از صلح جداگانه با نیروهای محور خودداری خواهند کرد.

اندیشه ایجاد سازمان ملل متحد در کنفرانس‌های مسکو، قاهره و تهران در سال ۱۹۴۳ دقیق‌تر شد. از اوت تا اکتبر ۱۹۴۴ نمایندگان آمریکا، شوروی، بریتانیا، فرانسه و جمهوری چین در کنفرانس دامبارتن اوکس در واشینگتن دی. سی، بر روی برنامه‌های تشکیل سازمان ملل کار کردند. بیشتر بحث‌های این کنفرانس در مورد نقش اعضای سازمان و شرایط دعوت از آن‌ها بود. سپس در آوریل ۱۹۴۵ در کنفرانس سان فرانسیسکو تکلیف حق وتو برای پنج عضو شورای امنیت تعیین شد. در نهایت در ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ منشور ملل متحد به امضای ۵۰ کشور رسید و سازمان ملل متحد رسماً تشکیل شد (لهستان در کنفرانس شرکت نداشت ولی جایی برای آن در نظر گرفته شد و بعداً منشور را امضا کرد)

عضویت در سازمان:

در سال ۲۰۰۶، ۱۹۳ (آخرین کشور عضو سودان جنوبی می‌باشد) کشور عضو سازمان ملل بوده‌اند که تقریباً همه کشورها را دربر می‌گیرد. از جمله کشورهای مهم غیرعضو می‌توان به جمهوری چین (تایوان) اشاره کرد که کرسی آن در سال ۱۹۷۱ به کشور جمهوری خلق چین داده شد. سریر مقدس (اسقف‌نشین شهر رم) نیز فقط عضو ناظر این سازمان است. از عضویت‌های پر سر و صدا نیز می‌توان به عضویت فلسطین که با سخنرانی یاسر عرفات در محل مجمع عمومی انجام گرفت اشاره کرد.

اهداف و فعالیت‌ها:

کنفرانس‌های بین‌المللی

کشورهای عضو سازمان ملل و آژانس‌های تخصصی آن به ارائه راهنمایی‌ها و اتخاذ تصمیماتی در جلسات سالانه و دوره‌ای خود می‌پردازند. اداره‌کنندگان جلسات از مجمع عمومی، شورای اقتصادی و اجتماعی و شورای امنیت و حتی هم‌تایان این مجامع در سایر نهادهای وابسته به سازمان ملل هستند. مثلاً مجمع بهداشت جهانی و هیات اجرایی بر سازمان بهداشت جهانی نظارت می‌کنند. وقتی مسئله مهمی بروز کند مجمع عمومی با برگزاری گردهمایی بین‌المللی توجه جهانیان را به آن

جلب کرده و درباره نوع اقدام اجماع جهانی برای همکاری را بدست می‌آورد. از جمله این مسایل می‌توانیم به موارد زیر اشاره کنیم:

مقر اروپایی سازمان ملل در ژنو - سوئیس

کنفرانس سازمان ملل در مورد محیط زیست و توسعه (کنفرانس زمین) در ریودو ژانیرو برزیل در ژوئن ۱۹۹۲ که به تشکیل کمیسیون توسعه پایدار انجامید تا نتایج کار در دستور جلسه ۲۱ یا همان متن نهایی توافق بین دولتها در UNCED را پیگیری نماید. کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه در قاهره مصر در سپتامبر ۱۹۹۴ که به تصویب برنامه عملکرد در جهت حل چالش‌های روابط جمعیت و توسعه در ۲۰ سال آینده منجر شد.

کنفرانس چهارم جهانی زنان در پکن، چین در سپتامبر ۱۹۹۵ که خواستار تسریع اجرای توافقنامه‌های تاریخی کنفرانس سوم جهانی زنان شد.

کنفرانس دوم سازمان ملل در مورد مناطق مسکونی که در ژوئن ۱۹۹۶ در استانبول ترکیه که مسائل مربوط به توسعه اسکان بشر و مدیریت آن در قرن ۲۱ را بررسی کرد.

سالها و ایام بین‌المللی

سازمان ملل سالها را با نامهای بین‌المللی مشخص نموده و هماهنگی‌هایی را در این ارتباط انجام می‌دهد تا تمرکز جهانیان را معطوف مسایل مهم نماید. استفاده از نمادهای سازمان ملل که به صورت لوگو سال طراحی می‌شوند و استفاده از زیرساختارهای این سازمان برای هماهنگی در واکنش به موضوعات جهانی سبب می‌شوند تا رسیدگی به برخی مسایل مهم جای شتاب بیشتری بگیرد. از جمله این رویکردها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مراکز میراث جهانی یونسکو / سفیر حسن نیت UNHCR

کنترل تسلیحات و خلع سلاح

منشور سازمان ملل در سال ۱۹۴۵ صراحتاً در پی نظام قانونمندی بود که اطمینان دهد بخش بسیار ناچیزی از درآمدها و منابع اقتصادی کشورهای جنگ زده صرف تولید تسلیحات نظامی می‌شود. ابداع سلاح‌های هسته‌ای چند هفته پس از امضای منشور و طرح موضوع کنترل تسلیحات و خلع سلاح واقع گردید. در واقع اولین قطعنامه سازمان ملل در اولین نشست مجمع عمومی در ۲۴ ژانویه ۱۹۴۶ با عنوان تاسیس کمیسیون ویژه کشف انرژی اتمی بود که خواستار ارائه راهکار جهت مقابله با توسعه سلاح‌های هسته‌ای و کلیه جنگ‌افزارهای کشتار جمعی شد.

سازمان ملل جلسات متعددی را با هدف رسیدگی به موضوعات خلع سلاح چند جانبه ترتیب داده‌است. مهمترین آنها شامل کمیته اول مجمع عمومی و کمیسیون خلع سلاح می‌باشند. مسایل مورد نظر در این کمیسیون‌ها بررسی معاهده منع آزمایش سلاحهای کشتار جمعی، معاهده فضای بیرونی زمین، معاهده منع تولیدسلاحهای شیمیایی، خلع سلاح هسته‌ای و سلاح‌های متعارف، ایجاد مناطق عاری از سلاح هسته‌ای، کاهش بودجه نظامیکشورها و تقویت امنیت بین‌الملل بودند.

کنفرانس خلع سلاح در جامعه بین‌المللی برای مذاکره بر سر توافقات چند جانبه کنترل و خلع سلاح طراحی و اجرا شد. در این کنفرانس نمایندگان ۶۶ کشور از سراسر دنیا از جمله پنج کشور دارای سلاح‌های هسته‌ای یعنی (چین، روسیه، فرانسه، انگلستان و آمریکا) حضور داشتند. این کنفرانس رسماً زیر نظر سازمان ملل نبود ولی از آنجا که دبیر کل در آن حضور داشت به نوعی به سازمان ملل مرتبط گردید. دبیر کل سازمان ملل ریاست کنفرانس را نیز بر عهده داشت. قطعنامه‌های مجمع عمومی اغلب خواستار بررسی مسائل خلع سلاح بودند و کنفرانس نیز همه ساله گزارش تحقیقات خود را به مجمع ارائه می‌کرد.

حفظ صلح

قطعنامه‌های مهم شورای امنیت – به ترتیب سال صدور:

قطعنامه‌های شورای امنیت بر اساس کشور: قبرس، عراق، کشمیر، کوزوو، سودان، دارفور، فلسطین، لبنان

حفاظان صلح سازمان ملل به مناطق مختلفی که درگیری نظامی بتازگی متوقف شده اعزام می‌شوند تا توافقات صلح را اجرا و طرفین درگیر را از شروع دوباره مخاصمات باز دارند. مثلاً آنان در تیمور شرقی تا اعلام استقلال در سال ۲۰۰۱ حضور داشتند. کشورهای عضو سازمان نیروهای مورد نیاز را تامین می‌کنند و ارسال نیرو به هر عملیات جنبه داوطلبانه دارد. در این بین دو کشور کانادا و پرتغال در همه عملیات‌های حفظ صلح حضور داشته‌اند. سازمان ملل عملیات نظامی مستقلی انجام نمی‌دهد و تمام عملیات آن باید با تصویب شورای امنیت باشد.

موسسین سازمان ملل امیدوار بودند که این سازمان مانع وقوع جنگ بین کشورها شود؛ ولی این امید چندان جامه عمل نپوشید. در ایام جنگ سرد از سال (۱۹۴۵ تا ۱۹۹۱) دنیا به دو اردوگاه متخاصم تقسیم و حفظ صلح بسیار دشوار شد. با پایان جنگ سرد، سازمان ملل مجدداً بعنوان بانی ایجاد صلح در دنیا قوت دوباره‌ای گرفت و در حل و فصل اختلافات در سراسر دنیا فعال شد. اما فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سبب شد تا ایالات متحده در موضع تنها ابرقدرت جهان قرار گیرد و چالش‌های جدیدی را برای سازمان ملل رقم بزند.

بودجه عملیات حفظ صلح سازمان ملل از کشورهای عضو و بر اساس معیارهای مدون تامین می‌شود. البته بخش زیادی از این بودجه را پنج عضو شورای امنیت فراهم می‌آورند. در دسامبر سال ۲۰۰۰ در روند ارزیابی سهم هر کشور تغییراتی ایجاد شد و مقرر گردید هر شش ماه یکبار این معیارها مورد بررسی دوباره قرار بگیرند. طبق این ارزیابی‌ها در سال ۲۰۰۳ حدود ۲۷ درصد بودجه کل سازمان به عملیات‌های حفظ صلح اختصاص می‌یافت. ایالات متحده خواستار سهم کمتر خود در این پروژه‌ها بود و پرداخت سهم خویش و پرداخت دیون معوقه خود را منوط به تصویب کنگره آمریکا می‌دانست.

نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در سال ۱۹۸۸ جایزه صلح نوبل را احراز کردند. در سال ۲۰۰۱ دبیر کل سازمان ملل، کوفی عنان، بخاطر تلاش‌هایش برای سازماندهی جهانی آرام‌تر این جایزه را به خود اختصاص داد.

سازمان ملل مدالهایی را برای اهدا به کسانی که معاهدات مصوب را عملی می‌سازند در نظر می‌گیرد. اولین آن‌ها مدال خدمات سازمان ملل بود که به نیروهای حاضر در جنگ کره اعطا شد. مدال ناتو نیز با استدلالی مشابه برای خدمات بین‌المللی طراحی شد و به عنوان یک مدال بین‌المللی به جای یک مدال نظامی مورد استفاده قرار گرفت.

حقوق بشر

پیگیری مسائل حقوق بشر دلیل اصلی ایجاد سازمان ملل بود. جنگ جهانی دوم و مسایل مربوط به نسل‌کشی سبب شد تا بر سر ایجاد سازمان جدیدی که مانع وقوع تراژدیهای مشابه در آینده اجماع جهانی بوجود آید. هدف اولیه نیز ایجاد یک چارچوب قانونی برای بررسی و عملکرد مناسب بر اساس شکایات در مورد تخطی از حقوق بشر بود. منشور ملل متحد تمام اعضای سازمان ملل را ملزم به احترام و رعایت حقوق بشر می‌نماید و همه را موظف می‌داند تا برای رسیدن به این هدف تلاش کند. اعلامیه جهانی حقوق بشر فی نفسه الزام آور نیست و تنها یکی از مصوبات مجمع عمومی در سال ۱۹۴۸ بود که نقش یک استاندارد برای همگان را ایفا می‌کند. مجمع همواره مسایل حقوق بشر را دنبال می‌کنند. در ۱۵ مارس ۲۰۰۶ مجمع به اتفاق آراء رای داد که شورای حقوق بشر سازمان را جایگزین کمیسیون حقوق بشر کند.

هدف اصلی این شورا بررسی موارد نقض حقوق بشر است. همواره انتقاد شده که ترکیب اعضای شورای حقوق بشر مناسب نیست. بویژه اینکه برخی از اعضای آن مشکوک به نقض حقوق بشر هستند. حتی کشورهایی که ریاست کمیسیون را برعهده داشته‌اند.

در حال حاضر هفت مجمع وابسته به مجامع معاهده حقوق بشر وجود دارد. از جمله کمیته حقوق بشر و کمیته حذف تبعیض علیه زنان. سرویس‌های دبیرخانه‌ای به شش مجمع خدمات رسانی می‌کند و کمیساریای عالی حقوق بشر مسئولیت این سرویس رسانی را به عهده دارد.

سازمان ملل و آژانس‌های آن محوریت اجرای اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر را به عهده دارند. یکی از وظایف این آژانس‌ها کمک به کشورهایی است که فرایند گذر به سوی دموکراسی را تجربه می‌کنند. سازمان ملل کمک فراوانی به برگزاری انتخابات در کشورهای کم تجربه و کم سابقه در جریان دموکراسی نموده‌است از جمله در افغانستان و تیمور شرقی. همچنین سازمان ملل مجمعی برای پشتیبانی از حقوق زنان در عرصه‌های سیاسی اقتصادی و اجتماعی در کشورهایشان تشکیل داده‌است و تلاش می‌کند توجه عمومی را به این حقوق جلب نماید. حتی قطعنامه‌ای در مورد سوء استفاده از این حقوق در خود مجمع عمومی یا شورای امنیت یا مجامع قضایی وابسته صادر کرده‌است.

در اوایل سال ۲۰۰۶ مجمع ضد شکنجه پیشنهاد بستن زندان گوانتانامو را ارائه کرد و آمریکا را به خاطر اداره کردن یک زندان مخفی و انتقال اتباع خارجی به آن به شدت مورد انتقاد قرار داد. برخی از گروه‌های حقوق بشر و اعضای حزب جمهوری خواه ایالات متحده اعلام کردند که سیا اجازه نمی‌دهد نظارتی بر این زندان اعمال شود یا زندان را تعطیل نمایند.

کمک‌های انسان دوستانه و توسعه بین‌المللی

سازمان ملل در کنار دیگر سازمانها مثلاً صلیب سرخ به تامین غذا، آب آشامیدنی، مامن و دیگر کمک‌های بشردوستانه به مردمانی می‌پردازد که از قحطی و جنگ و سایر بلاها به زحمت افتاده‌اند. بازوان اصلی سازمان ملل در راه کمک رسانی به مردم عبارتند از برنامه جهانی غذا (که بیش از ۱۰۰ میلیون نفر را در ۸۰ کشور پوشش داده‌است)، کمیساریای عالی پناهندگان که در ۱۱۶ کشور فعالیت دارد و نیز پروژه‌های حفظ صلح که در ۲۴ کشور دنیا به اجرا در آمده‌است. گاهی اوقات نیروهای امدادی سازمان ملل مورد حمله قرار گرفته‌اند.

همچنین سازمان ملل به پشتیبانی از توسعه اقتصادی پرداخته است؛ مثلاً از طریق تدوین فرمول اهداف توسعه هزاره. برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) بزرگترین منبع ارائه کمک‌های فنی در جهان است. سازمانهایی چون WHO، UNAIDS و صندوق جهانی مبارزه با ایدز، سل و مالاریا از موسسات پیشگام در مبارزه با بیماریها در سراسر دنیا سرویسهای کنترل جمعیت هستند و در کاهش مرگ و میر کودکان و مادران در ۱۰۰ کشور نقش فعالی داشته‌اند.

سازمان ملل همه ساله اقدام به انتشار شاخص توسعه انسانی (HDI) می‌کند که در آن بر اساس شاخص‌های رفاهی^۱ اقتصادی و بهداشتی مانند سطح فقر، میانگین درآمد، میزان باسوادی، و امید به زندگی به مقایسه سطح توسعه در کشورهای مختلف می‌پردازد.

سازمان ملل به کمک دواير و نهادهای مختلف خود به توسعه انسانی پرداخته‌است:

سازمان بهداشت جهانی (WHO) که در سال ۱۹۷۷ آبله را ریشه کن نموده و فلج اطفال را هم تا مرز ریشه کنی پیش برده‌است.

بانک جهانی / صندوق بین‌المللی پول (IMF): طبق توافقنامه برتون وودز در سال ۱۹۴۴، دو نهاد بانک جهانی و IMF بعنوان دو سیستم جداگانه از سازمان ملل فعالیت می‌کنند. در سال ۱۹۴۷ بموجب موافقتنامه‌ای اعلام شد که موسسات وابسته به سازمان ملل به صورت مستقل و تخصصی فعالیت‌های مالی و پولی خود را در چارچوب این سازمان و با نظارت آن به انجام رسانند.

برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد (UNEP)

برنامه عمران سازمان ملل متحد (UNDP)

سازمان تربیتی علمی فرهنگی ملل متحد (UNESCO)

صندوق کودکان سازمان ملل متحد (UNICEF)

کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان (UNCHR)

در ۹ مارس سال ۲۰۰۶ (میلادی) کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل صندوق مرکزی واکنش سریع CERE را برای کمک به قحطی زدگان شاخ آفریقا تاسیس کرد. [۵] پیوند مرده [پیوند مرده]

همچنین یک آژانس به عنوان شورای جهانی غذا با هدف هماهنگی وزرای کشاورزی کشورها تاسیس شد تا به کشورهای قحطی زده و دارای سوء تغذیه کمک کنند. در سال ۱۹۹۳ این آژانس به حالت تعلیق در آمد.

معاهدات و قانون بین‌الملل

مذاکرات سازمان ملل در قالب معاهده به پیشگیری از مشاجرات بین‌المللی منجر می‌شوند. مثل کنوانسیون قانون و یا هر گونه اختلافی در مورد کاربرد آزاد اقیانوسها در دادگاه ویژه مورد حل و فصل قرار بگیرد.

دادگاه بین‌المللی (ICJ) با هدف حل و فصل مشاجرات بین کشورها تاسیس شده‌است و از سال ۱۹۴۶ تاکنون مرجع رسیدگی به دعوی مهمی به شرح زیر بوده‌است:

کنگو در برابر فرانسه که در آن جمهوری دموکراتیک کنگو فرانسه را به بازداشت غیر قانونی روسای ایالتی کنگو و جرائم جنگی متهم نمود؛ و دعوی نیکاراگوئه در برابر ایالات متحده که در این دعوی نیکاراگوئه ایالات متحده را متهم نمود که نیروهای معارض حکومت را مجهز کرده است (در پی این دعوی شاهد طرح دعوی ایران در مورد تجهیز معارضین توسط آمریکا بودیم).

در سال ۱۹۹۳ و در پاسخ به رویه «پاکسازی قومی» در یوگسلاوی سابق دبیر کل سازمان ملل دادگاه رسیدگی به جرایم نظامی در یوگسلاوی سابق را دایر کرد. در سال ۱۹۹۴ در قبال جریان نسل‌کشی در روآندا این شورا دیوان رسیدگی به جرائم در روآندا را تاسیس کرد. قلمرو قضایی این دو دادگاه بررسی و روشن کردن موارد نقض قوانین بین‌المللی که جرم محسوب می‌شدند بوده‌است.

در سال ۱۹۱۸ مجمع عمومی کنفرانسی در رم برگزار کرد و بررسی تاسیس دیوان محاکم و جرایم بین‌المللی (ICC) پرداخت و در پی آن طرح رم به تصویب رسید و این دادگاه در سال ۲۰۰۲ تاسیس و اولین پرونده در سال ۲۰۰۶ به آن ارجاع گردید. این اولین مورد رسیدگی به اتهامات و تخلفات جنگی و نسل‌کشی در یک مرجع دائمی جهانی بود. اما ICC مستقل از سازمان ملل عمل می‌کند و پرسنل و بودجه‌ای اختصاصی دارد اگر چه در راه شکل‌گیری آن مقامات سازمان ملل و سران دولتها دخالت مستقیم داشته‌اند. در مورد نحوه اداره این نهاد و همکاریهای متقابل ICC و UN «توافق کامل و دوجانبه» حاصل شده‌است.

در سال ۲۰۰۲ سازمان ملل دادگاه ویژه سیرالئون را بخاطر جنایات جنگی در آن کشور برگزار نمود جنگ‌های داخلی سیرالئون. همچنین برای رسیدگی به جرائم شدید در تیمور شرقی واحد SCIU تشکیل شد.

ارکان سازمان ملل متحد

مجمع عمومی

شورای امنیت

شورای اقتصادی و اجتماعی

شورای قیمومت (از اول نوامبر ۱۹۹۴ فعالیت نمی‌کند)

دبیرخانه

دیوان بین‌المللی دادگستری